

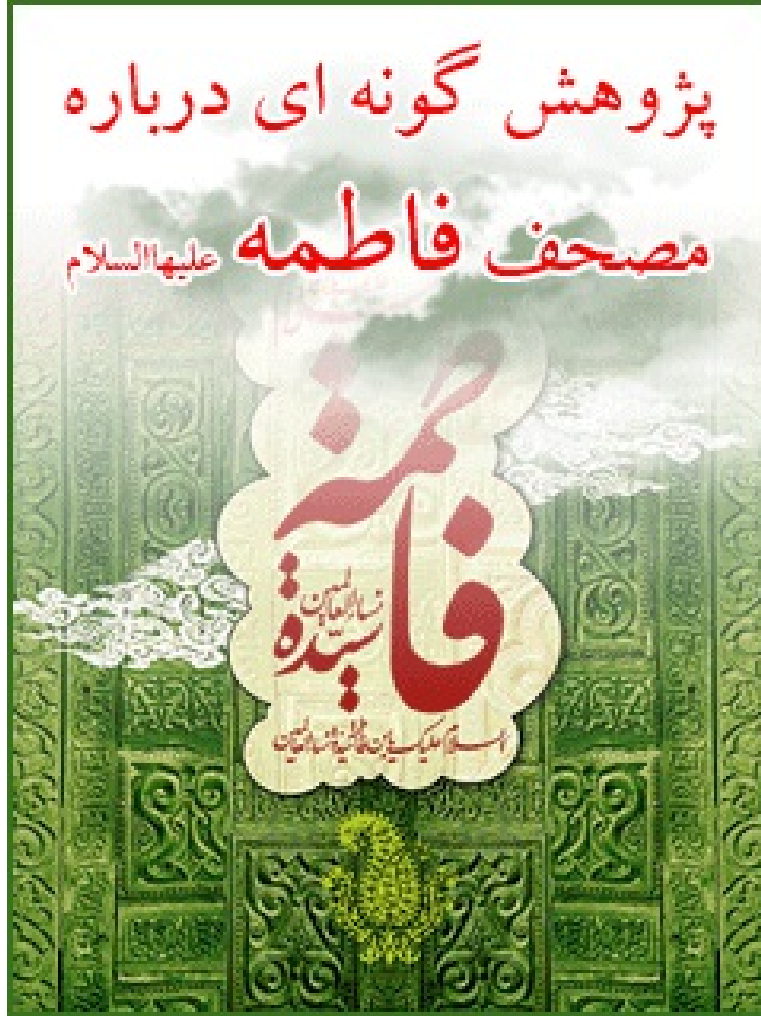
سَلَامٌ عَلَيْهَا
نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org

پژوهش گونه ای درباره

مصحف فاطمه علیها السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام

نویسنده:

محمدعلی مهدوی راد

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام
۷	مشخصات کتاب
۷	درآمد
۷	حکایت این وجیزه
۸	مقدمه
۸	مصحف فاطمه علیها السلام
۹	نگاهی به سند حدیث
۱۰	مصحف فاطمه و مباحث مرتبط با آن
۱۰	واژه «مصحف» در ادب عربی
۱۱	نگارنده مصحف
۱۲	املاکننده مصحف
۱۳	احتمالات گوناگون در حل تعارض
۱۴	محتوای مصحف
۱۸	محتوای مصحف
۱۹	وصیت مربوط به باغ‌ها
۱۹	وصیت سیاسی
۲۰	حجم مصحف
۲۰	مصحف چونان میراثی ماندگار در نزد امامان علیهم السلام
۲۱	نگاهی به برخی داورهای درباره مصحف فاطمه علیها السلام
۲۲	تکمله
۲۴	فهرست منابع

پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: مهدوی‌راد، محمدعلی عنوان و نام پدیدآور: پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام/نویسنده محمدعلی مهدوی‌راد. مشخصات نشر: تهران: مشعر، ۱۳۸۶. مشخصات ظاهری: ۸۴ ص ۱۹×۱۹/۵ س.م. شابک: ۵۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۰۷۷-۲ وضعیت فهرست نویسی: فیپا یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع: قرآن -- جمع و گردآوری. موضوع: مصحف فاطمه (س). رده بندی کنگره: ۶/۷۲۲/BP/۹م/۴ ۱۳۸۶ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۹ شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۷۳۰۸۹

در آمد

حکایت این وجیزه

با عنوان «مصحف فاطمه علیها السلام» آشنا بودم و در ضمن نگارش «تدوین حدیث» به اجمال بدان پرداخته بودم. به روزگاری توفیق الهی رفیق شد و این بنده برای انجام «عمره مفرده» به دیار دوست شدم، روزهای مدینه با بهره‌های معنوی و کشش‌ها و جذبه‌های روحانی با داغ و دریغ گذشت. آنگاه به مکه وارد شدیم حرم امن الهی؛ شب جمعه مقابل مستجار با مولی علی امیر مؤمنان هم نوا شدم تا دعای کمیل را در جمع اندکی از «دوستان صفا» و «همراهان وفا» زمزمه کنیم. سطور آغازین، چشم‌ها اشک آلود و سینه‌ها آکنده از غم بود که «آمر به معروف و ناهی از منکری» (: بخوان: آمر به منکر و ناهی از معروف) دستار سرخ و سفید بر سر، رسید: که برخیزید و ادامه ندهید، بگو مگو با او را روا ندانستیم، مکانی دیگر جستیم پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۸ خلوت‌تر، تا شاید بدور از چشم آن حضرت گزرمه و همگنانش زمزمه‌ها را ادامه دهیم؛ سوگمندانه باز از راه رسید و این بار گفتگو فراز آمد و کار به مشاجره کشید، کسی دیگر گویا از هم اینان اما معتدل‌تر و شاید بهره‌مند از خرد و ... آمد و با میانجیگری او کار پایان گرفت. امّا گفتگوی من با او ادامه یافت- النّهایه این بار در فضایی برادرانه و با سلامت و حرمت و احترام ... سخن به‌درازا کشید تا بالأخره گفت: چرا و به چه دلیل می‌گویید به فاطمه «[و‌حی می‌شده است؟] گفتم چه اشکالی دارد؟! گفت اشکال دارد؟! گفتم: پرسیدم چه اشکالی دارد؟ و بدون اینکه منتظر جواب باشم گفتم: گویا شما معتقدید که ما معتقدیم به آن حضرت، وحی می‌شد: وحی تشریحی، گفت: آری، گفتم: دروغ است، هیچ شیعه‌ای بدین باور ندارد. شیعیان معتقدند به محضر آن بزرگوار «ملک» و یا «ملائکه» بار می‌یافتند و با او سخن می‌گفتند، از این روی آن حضرت را «محدّثه» می‌نامیم و این مشکلی ندارد. شما هم از اینگونه موارد دارید؟ گفت: نه! گفتم چرا شما عمر بن الخطاب را «محدّث» می‌دانید و حتی برخی دیگر صحابه را ... مستندات را گفتم، آرام گرفت و گفت اینها را بنویسید و بگویید. گفتم: ده‌ها بلّ صدها بار عالمان ما گفته‌اند، نوشته‌اند امّا کو گوش شنوا؟ ... با تأکید گفت: بنویسید و به همه برسانید و .. پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۹ از سفر «دیار دوست» که برگشتم، مطالعه در این موضوع را که آگاهی‌های اندکی از آن داشتم گستراندم، همه روایات مربوطه را گرد آوردم، و پژوهش‌های عالمان را هم نگریستم و مقالتی رقم زدم که در آئینه پژوهش شماره ۵۷ چاپ شد و مورد استقبال قرار گرفت و عالمان بزرگی این ضعیف را به خاطر آن نواختند، آنچه اینک پیش روی شماست همان مقاله است با افزودنی‌ها و دگرگونی‌هایی ... که اینک با نیک‌اندیشی و همت والای دوست دیرین و فرزانه‌ام حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج سیدعلی قاضی عسکر جامه دیگر پوشیده و نشر می‌یابد. امیدوارم سودمند افتد و این بنده را مشمول عنایات فاطمه اطهر علیها السلام و فرزندان عزیز و بزرگوارش بگرداند. واللّٰه من وراء القصد محمدعلی مهدوی‌راد ۲۰ / ۸ / ۸۶

مقدمه

در زندگانی و سیره فاطمه اطهر علیها السلام از مجموعه‌ای سخن می‌رود با عنوان «مصحف فاطمه». از این عنوان و چگونگی آن در روایات بسیاری در منابع شیعی سخن رفته است. گونه گونی روایات و گاه تهافت بل تعارض ظاهری آنها باعث شده است که داوری‌ها در چگونگی آن یک داستان نباشد. محققان و عالمان اهل سنت نیز در این باره کما بیش سخن گفته‌اند و طبق معمول چون «حقیقت را» نیافته‌اند «ره افسانه زده‌اند» و «رطب و یابس» را به هم بافته «راهی بدیهی نبرده‌اند» اکنون سزایماند چنان می‌بینم که ابتدا به کشش‌ها و کوشش‌هایی در این زمینه اشاره کنم و آنگاه بر پایه نقل‌ها و روایات و نقد و تحلیل سندی و محتوایی احادیث در حد امکان غبار از چهره موضوع بزدایم و در پایان برخی از داوری‌های عالمان را بیاورم تا به پژوهش‌گونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۱۲ عیار آنچه آمده است سنجیده و نقد شود و توفیق از خداوند است. روایات مرتبط با این بحث از جمله در کهن‌ترین منابع حدیثی شیعه «بصائر الدرجات» (۱) و «کافی» (۲) آمده است. و در کافی بیشترین‌اند. نقل‌ها را علامه مجلسی رضوان‌الله علیه در بحارالانوار آورده است. بر اساس شمارش برخی از فاضلان یادکرد علامه مجلسی در بحارالانوار با حذف تکرارها به ۲۲ مورد می‌رسد با توجه به این که برخی از موارد از جمله روایتی از «مناقب» ابن شهر آشوب در بحارالانوار نیامده است. که بر روی هم به ۲۸ مورد می‌رسد بحارالانوار، ج ۲۶ باب ابواب علومهم علیهم السلام، بیشترین نقل‌های مرتبط با «مصحف فاطمه علیها السلام» را در خود جای داده است. در مستدرکات «عوامل العلوم» نیز روایات یاد شده گزارش شده است، محققان «عوامل» متأسفانه گاه بین روایات مرتبط با مصحف فاطمه علیها السلام و روایات «صحیفه علی علیه السلام خلط کرده‌اند. (۳) در روزگاران اخیر شاید اولین کسی که به تفصیل به موضوع یاد شده پرداخته، علامه عالیقدر سید محسن امین پژوهش‌گونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۱۳ عاملی باشد. وی در اثر گرانقدر خود «اعیان الشیعه» بدین موضوع پرداخته و به تفصیل از چگونگی آن سخن به میان آورده و کوشیده است برخی از آن تهافت‌نمایی و تعارض‌نمایی‌های روایات را حل کند. (۱) عالمان و محققان دیگری نیز به موضوع بحث پرداختند که در ضمن بحث از آنها یاد خواهد شد، اما از کسانی که به تفصیل از این موضوع یاد کرده و در جهت تنقیح آن قلم زده‌اند استاد علامه سید جعفر مرتضی عاملی است که در «مأساة الزهراء» (۲) بدین بحث پرداخته‌اند و پس از آن در «خلفیات کتاب مأساة الزهراء» آن بحث را پی‌گرفته‌اند، در هر دو مورد وی به انگیزه نقد آراء برخی از عالمان و مفسران معاصر بدین نکته و موضوع پرداخته است. و بالاخره باید یاد کنم از بحث بسیار خوب و با تتبع بسیار در روایات نقل‌ها و اسانید روایات آقا سیدهاشم هاشمی در کتاب «حوار مع فضل الله حول الزهراء علیها السلام که بحثی است سودمند و با تأکید به این نکته که متأسفانه وی چون ادب نفس و مالاً ادب بحث را پاس نداشته‌اند، پژوهش‌گونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۱۴ پژوهش ارجمندشان از دیده‌ها بازمانده است. ای کاش چنین نمی‌بود. (۱) پژوهش وی گسترده‌ترین پژوهش درباره مصحف فاطمه علیها السلام، که در ضمن بحث، هم به نقد اسانید پرداخته و هم کوشیده‌اند برخی از تعارض‌نمایی‌ها را حل کنند و در نهایت یادکردنی است کتاب بسیار خوب آقای اکرم برکات با عنوان «حقیقه مصحف فاطمه عند الشیعه» که ضمن پژوهش دقیق و گسترده در ابعاد بحث به مباحث جنبی و حاشیه‌ای بسیاری نیز پرداخته‌اند و بالاخره یاد کنم از آنچه بر این قلم رفته است با عنوان «پژوهش‌گونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام» (۲) و اکنون آنچه در این مقالت و با توجه به فسحت مقال و میدان و اقتضای مجال نگاشته خواهد آمد، با توجه به تمام بحث‌ها و پژوهش‌هایی است که سامان یافته است و نیز با درنگریستن به آنچه عالمان و محققان و پاسداران تفکر شیعی درباره آن قلم زده‌اند که گاه لغزشی و یا لغزش‌هایی بر خامه و یا خامه‌ها رفته است (باری! ان الجواد قد یکبوا ان الصارم قد ینبو) و الکیمال لله وحده.

این عنوان در منابع و روایات بسیاری آمده است، که دست کم برخی از روایات آن دارای اسانید صحیح و استواری هستند، از این روی در اصل وجود آن هیچ گونه تردیدی روا نیست، و برخی تردیدها در اصل آن و یا تلقی اینکه صورت تفصیل یافته روایت و یا صحیفه دیگری است، «۱» چنانکه خواهیم دید پایه‌ای ندارد. اکنون و در آغاز بحث برخی از آن روایات را می‌آوریم: «محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن ابن محبوب، عن ابن رثاب، عن ابی عبیده قال: سأل أبا عبد الله عليه السلام بعض أصحابنا عن الجفر فقال هو جلد ثور مملوء علماً، قال له: فالجامعة؟ قال: تلك صحيفه طولها سبعون ذراعاً في عرض الأديم مثل پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۱۶ فخذ الفالج، فيها كل ما يحتاج الناس اليه، وليس من قضية الا وهي فيها، حتى ارش الخدش. قال: فمصحف فاطمة؟! قال فسكت طويلاً ثم قال: أنكم لتبحثون عما تريدون و عما لا تريدون ان فاطمة مكثت بعد رسول الله صلى الله عليه و آله خمسة و سبعين يوماً و كان دخلها حزن شديد على أبيها و كان جبرئيل عليه السلام يأتيها فيحسن عزائها على أبيها، و يطيب نفسها، و يخبرها عن أبيها و مكانه و يخبرها بما يكون بعدها في ذريتها، و كان على عليه السلام يكتب ذلك، فهذا مصحف فاطمه.» «۱» ابو عبیده گوید: یکی از شیعیان از حضرت صادق علیه السلام درباره «جفر» پرسید. امام علیه السلام فرمود: «جفر» پوست گاوی است پر از علم. گفت جامعه چیست؟ فرمود: طوماری است به درازای هفتاد ذراع و عرض یک پوست؛ مانند ران شتر فربه که تمام نیازمندی‌های مردم در آن است. همه قضایا حتی «جریمه خراش» در آن هست. گفت: مصحف فاطمه چیست؟ امام علیه السلام مدتی طولانی سکوت کرد، آن گاه فرمود: شما از آنچه می‌خواهید و نمی‌خواهید، جستجو می‌کنید. فاطمه علیها السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله هفتاد و پنج روز در دنیا بود و از فراق پدر اندوه بسیاری داشت. جبرئیل می‌آمد و او را در مرگ پدر تسلی می‌داد و او را خوشدل می‌ساخت. از پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۱۷ احوال پدر و جایگاهش سخن می‌گفت و سرگذشت فرزندانش را پس از وی گزارش می‌کرد. و علی علیه السلام این‌ها را می‌نوشت، آن نوشته‌ها «مصحف فاطمه علیها السلام» است.»

نگاهی به سند حدیث

علامه مجلسی، حدیث بالا را با عنوان «صحیح» یاد کرده است. «۱» نگاهی گذرا به سند آن نشانگر استواری این داوری درباره سند حدیث است. ۱. محمد بن یحیی که لقبش «عطار» است، «ثقه» است. نجاشی از او با عنوان‌های «ثقه، عین، کثیر الحدیث» یاد کرده است. «۲» ۲. احمد بن محمد، که احمد بن محمد بن عیسی است، و از «ثقات» است. «۳» ۳. ابن محبوب، که یا «حسن بن محبوب» است و یا محمد بن علی بن محبوب و هر دو از «ثقات» هستند. «۴» ۴. ابن رثاب؛ که علی بن رثاب است که شیخ طوسی درباره وی گفته است: «... هو ثقة، جلیل القدر.» «۵» ۵. ابو عبیده، که زیاد بن عیسی، ابو عبیده الحداء است. «۶» پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۱۸ بدین سان روشن است که این حدیث از جمله احادیث «صحاح» است و راویان آن یکسر از ثقات و چهره‌های والای راویان شیعی. این روایت نشانگر این است که جبرئیل محتوا «مصحف» را پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله برای تسلی دل پاک فاطمه اطهر علیها السلام املا کرده و علی علیه السلام آن را نوشته است؛ و به اجمال اشاره شده است که «مصحف» از جمله مشتمل بوده است بر جریان‌هایی که در میان فرزندان آن حضرت و درباره آن‌ها رخ خواهد نمود. روایات هم‌مضمون با این حدیث با اندکی کاستی و یا افزونی، فراوان است و از این روی داوری‌ها درباره آن گونه‌گون. اکنون یکی دیگر از نقل‌ها را بیاوریم: «عن الحسين بن أبي العلاء قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول ان عندي الجفر الأبيض، قال: قلت فأي شيء فيه؟ قال عليه السلام: زبور داود و توراة موسى و انجيل عيسى و صحف ابراهيم و الحلال و الحرام و مصحف فاطمة ما أزعم أن فيه قرآناً. و فيه ما يحتاج الناس اليها و لا نحتاج الي احد حتى فيه الجلد و نصف الجلد و ربع الجلد و أرش الخدش....» «۱» «حسين بن أبي العلاء گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۱۹ فرمود: همانا «جفر سفید» نزد من است. گفتم در آن

چیست؟ فرمود: زبور داود و تورات موسی و انجیل عیسی و صحف ابراهیم و حلال و حرام و مصحف فاطمه. بر این باور نیستیم که در مصحف چیزی از قرآن باشد. در آن [جفر سفید] است آنچه مردم به ما نیازمندند- و ما به کسی نیازمند نیستیم- حتی مجازات یک تازیانه و نصف تازیانه و یک چهارم تازیانه و جریمه خراش. این روایت‌ها و همگنان آنها، پیش از هر چیز نشانگر عظمت، جلالت و بی‌بدیلی شخصیت حضرت زهرا است. البته شخصیت والا، و جایگاه بلند «صدیقه طاهره» در آموزه‌های کتاب و سنت، بارهای بار گزارش شده است و نصوص نشانگر «مکانت بی‌بدیل» آن بزرگوار، فراوان‌تر و روشن‌تر از آن است که نیازی به یادآوری و تذکار داشته باشد. با این همه از سخن ارجمند امام خمینی رحمه الله درباره شخصیت حضرت زهرا علیها السلام که با روایات «مصحف» نیز مرتبط است، نمی‌توان گذشت: «مسئله آمدن جبرئیل برای کسی، یک مسئله ساده نیست. خیال نشود که جبرئیل برای هر کسی می‌آید و امکان دارد بیاید. این یک تناسب لازم است بین روح آن کسی که جبرئیل می‌خواهد بیاید و مقام جبرئیل که روح اعظم است ... و این تناسب بین جبرئیل که روح اعظم است و انبیا درجه اول بوده است، مثل رسول خدا و موسی و عیسی و ابراهیم و امثال این‌ها. بین همه کس نبوده است. بعد از این پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۲۰ هم بین کسی دیگر نشده است، حتی درباره ائمه هم من ندیده‌ام که وارد شده باشد. این طور که جبرئیل به آن‌ها نازل شده باشد، فقط این است که برای حضرت زهرا علیها السلام است که من دیده‌ام که جبرئیل به طور مکرر در این هفتادوپنج روز وارد می‌شده و مسائل آتیه‌ای که بر ذریه او می‌گذشته است این مسائل را می‌گفته است و حضرت امیر هم ثبت می‌کرده است ... در هر صورت من این شرافت و فضیلت را از همه فضایی که برای حضرت زهرا ذکر کرده‌اند- با این که آن‌ها هم فضایل بزرگی است- این فضیلت را من بالاتر از همه می‌دانم که برای غیر انبیا علیه السلام، آن هم نه همه انبیا، برای طبقه بالای انبیا علیه السلام و بعضی از اولیایی که در رتبه آن‌ها هست، برای کسی دیگر حاصل نشده. و با این تعبیری که مراد داشته است جبرئیل در این هفتادوپنج روز، برای هیچ کس تاکنون واقع نشده و این از فضایی است که از مختصات حضرت صدیقه علیها السلام است.» «۱» کلام بلند امام رحمه الله افزون بر جریان «مصحف» و چگونگی آن اشارتی دارند به یکی دیگر از فضایل و مناقب فاطمه اطهر علیها السلام که چون پیوند تنگاتنگ با بحث ما دارد، در پایان بحث از مصحف بدان اشاره‌ای خواهیم کرد.

مصحف فاطمه و مباحث مرتبط با آن

اکنون سخن را درباره مصحف فاطمه علیها السلام آغاز می‌کنیم پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۲۱ با یادآوری این نکته که درباره مصحف باید مسائل زیر روشن شود: ۱. چگونگی و چیستی آن؛ ۲. املاکننده آن؛ ۳. نویسنده آن؛ ۴. سرنوشت آن؛ ۵. اندازه و حجم آن.

واژه «مصحف» در ادب عربی

قبل از هر چیز بر این نکته تأکید کنیم که عنوان «مصحف» هرگز نباید این پندار را به وجود بیاورد که این عنوان، عنوانی است همسوی با آنچه در آن روزگاران بوده است؛ مانند مصحف عبدالله بن مسعود، مصحف عایشه، مصحف ابی‌بن کعب و ... و مآلاً کسی بر پایه برخی نقل‌ها- که پس از این خواهیم آورد- درباره آن بر طبل اتهام کهنه و بی‌اساس علیه شیعیه بکوبد، که شیعیه با باور به «مصحف فاطمه» به تحریف قرآن باور داشته و چنین می‌پندارد که بخشی از قرآن از میان رفته است. باری، بر این نکته تأکید می‌کنیم که نه به لحاظ لغت و نه اصطلاح عالمان و مفسران «مصحف» علم برای «قرآن کریم» نبوده است. این واژه به «قرآن» نیز اطلاق می‌شده است؛ به ویژه در روزگاران واپسین‌تر از صدر اسلام. «مصحف» براساس گزارش لغویان، مجموعه‌ای از پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۲۲ نگاهشته‌های قرار گرفته در میان دو «لِت» جلد کتاب (: مابین الدفتین) را

گویند. از کهن‌ترین فرهنگ لغوی بیاوریم: وسمی المصحف، مصحفاً لأنه اصحف. أى جعل جامعاً للمصحف المكتوبه بين الدفتين. «۱» کاربرد آن در روایات نیز نشانگر معنای لغوی آن است. اگر به قرآن هم «مصحف» گفته شده با عنایت به این جهت بوده است. بنگرید: عن النبی صلی الله علیه و آله: من قرأ القرآن فی المصحف کانت له ألفا حسنه و من قرأه فی غیر المصحف - فأظنه قال - کألف حسنه. «۲» آن که قرآن را در «مصحف» قرائت کند، دو هزار «حسنة» از آن او خواهد بود و آن که در غیر «مصحف» بخواند - به گمانم گفت - هزار «حسنة». بر همین پایه بوده است که هر مجموعه‌ای با ویژگی یادشده را - یعنی قرار گرفتن در میان دو لیت جلد را - مصحف می‌گفتند. به این نص تاریخی بنگرید: عن أبی اسحاق الفزازی قال سألت الأوزاعی قلت: مصحف من مصاحف الروم أصبناه فی بلاده پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۲۳ أو غیرهم؟! «۱» ... اوزاعی به سال ۸۸ هجری دیده به جهان گشوده و به سال ۱۵۷ هجری زندگی را بدرود گفته است. «۲» بدین سان این نص تاریخی نشانگر آن است که در قرن اول، این واژه مفهومی عام داشته است و به هر مجموعه یا ویژگی یادشده اطلاق می‌شده است. از ابوسعید خدری خواستند تا «حدیث» املا - کند، نوشت و گفت: لانکتبکم شیئاً أتجعلونه مصاحف تقرأونها، وقد کان فیکم یحدثنا فنحفظ عنه، فاحفظوا عنا کما حفظنا نحن عن نیتکم. «۳» «چیزی نمی‌نویسیم آیا می‌خواهید قرآن را چونان «مصحفی» قرار دهید که می‌خوانید؟! در میان شما کسانی بودند که برای ما حدیث می‌گفتند و ما حفظ می‌کردیم، شما نیز بدان گونه که ما حفظ می‌کردیم، حفظ کنید.» روشن است که مراد ابوسعید از واژه «مصحف» کتاب و کتاب‌ها است و نه قرآن. و چنین است کاربرد این واژه در بیان و بنان پیشینیان از عالمان. به مثل جاحظ بر پایه تقسیمی که در تدوین کتابش روا داشته بود، می‌نویسد: تم المصحف الاوّل، ویتلوه المصحف الثانی من پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۲۴ کتاب الحیوان و ... «۱» آقای ناصرالدین الأسد در کتاب ارجمندش «مصادر الشعر الجاهلی» نوشته است: وکانوا کذلک یطلقون علی الکتاب المجموع لفظ المصحف ویقصدون به مطلق الکتاب لا القرآن وحده ... «۲» «بدین گونه آنان بر «کتاب جمع شده» لفظ مصحف را اطلاق می‌کردند و از آن، کتاب را مراد می‌کردند؛ مطلقاً و نه قرآن را فقط.» بدین سان اگر کسی چون آقای قصیمی به محض این که عنوان «مصحف» را بنگرد و در وصف آن بخواند که چندین برابر قرآن بوده است - که پس از این خواهیم آورد - و چنان بیندازد که شیعه با توجه به آن به تحریف قرآن باور دارد، بی‌گمان یا از سر جهل است و یا غرض آمیخته به مرض. «۳»

نگارنده مصحف

گفتیم که ابتدا باید از نگارنده آن، سخن گوئیم، تا روشن شود که نگارنده آن مجموعه کیست. در حدیثی که پیشتر آوردیم، به صراحت آمده بود: وکان علی علیه السلام یکتب ذلک ... «۱» پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۲۶ این مضمون در روایات مختلف و با عبارتهای گونه‌گون آمده است. امام صادق علیه السلام ضمن پاسخ از چگونگی «مصحف» فرموده‌اند: فجعل امیرالمؤمنین یکتب کلّما سمع حتی أثبت من ذلک مصحفاً. «۱» در روایت دیگری آمده است: وخطّه علی علیه السلام بیده. «۲» بدین سان تمام روایت‌هایی که به گونه‌ای از «مصحف» یاد کرده‌اند، در این که «کتابت» آن را امیرالمؤمنین به عهده داشته‌اند، هم‌داستانند. در برابر این همه یک نقل که فقط ابن‌رستم طبری آن را گزارش کرده است، نشانگر آن است که «مصحف فاطمه علیها السلام» را ملائکه به گونه‌ای مکتوب برای حضرت زهرا علیها السلام آورده‌اند؛ بدین سان املا نشده است تا آن را مولا نگاهشته باشد. در بخشی از آن آمده است: «چون خداوند نزول آن را برای حضرت زهرا علیها السلام اراده فرمود، جبرئیل، میکائیل و اسرافیل را دستور داد که «مصحف» را بگیرند. بدین سان آنان در شب جمعه‌ای - پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۲۷ ثلث دوم از شب - فرود آمدند؛ در حالی که آن حضرت مشغول تهجد بودند؛ پس از فراغت آن بزرگوار از تهجد، سلام کردند و مصحف را در حجره نهادند ...» «۱» چنان که روشن است، عبارت «... ووضعوا المصحف فی حجرها ...» نشانگر آن

است که خود کتاب نازل شده است نه محتوای آن، که به روشنی در تعارض با مضمون روایاتی است که پیش تر آوردیم. اکنون برای حل تعارض، یا باید در مضمون این روایت تصرف کرده، توجیه کنیم که «نهادن مصحف در حجره» به همان معنای املا است تا با کتابت حضرت در تعارض نباشد. اما روشن است که توجیهی است ناموجه و آمیخته به تکلف. دو دیگر این که این روایت را یکسر طرد کنیم و با توجه به سند روایت، آن را از حجیت بیندازیم. چرا که در سند روایت جعفر بن محمد بن مالک فزاری وجود دارد که به «فساد در مذهب»، «۲» «وضع حدیث»، «روایت از مجهولان»، «دروغگویی» «۳» و «غلو» متهم است، و به گفته ابن غضائری: «تمام عیب‌های ضعفا در او فراهم آمده است.» «۴» چنین است که نقد و ردّ این روایت و روی برتافتن از پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۲۸ آن سزاوارتر است؛ «۱» بنابراین روایات دیگر بر حجیت خود باقی می‌مانند و در پاسخ به این پرسش که نگارنده «مصحف» کیست، بدون هیچ تردیدی باید گفت «علی علیه السلام».

املاکننده مصحف

متنی که پیش تر آوردیم نشانگر این بود که محتوای «مصحف» را جبرئیل املا کرده و علی علیه السلام نوشته است. این موضوع در روایات مختلفی که در این زمینه آمده است یکسان نیست. اکنون آنچه را در مجموع نقل‌ها یافته‌ایم، می‌آوریم تا بنگریم چگونه می‌شود بین محتوای گونه‌گون روایات جمع کرد. پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۱۲۹. خداوند تبارک و تعالی در برخی روایات به صراحت آمده است که املاکننده خداوند است. در روایتی که ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده، آمده است: ... انما هی هوشیء املاه الله ... «۱» ۲. ملک در برخی روایت‌ها از ملکی به عنوان املاکننده سخن رفته است. در روایتی که حماد بن عثمان از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند، آمده است: ... فأرسل الله اليها ملكاً يسلي غمها ويحدثها فسكت ذلك الي امير المؤمنين عليه السلام فقال: اذا احسست بذلك وسمعت الصوت قولي لي فأعلمته بذلك، فجعل امير المؤمنين عليه السلام يكتب كلما سمع حتى أسمع أثب من ذلك مصحفاً. «۲» این روایت به صراحت نشانگر این است که علی علیه السلام به پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۳۰ هنگام املا «ملک»، محتوای صحیفه را در آن جمع بوده، خود می‌شنیده و می‌نگاشته است. ۳. جبرئیل در روایاتی نیز از جبرئیل به عنوان املاکننده «مصحف» یاد شده است. «۱» در روایت ابوعبیده از امام صادق علیه السلام که عالمان آن را روایات «صحیح» تلقی کرده‌اند، آمده است: وكان جبرئيل يأتيها فيحس عزائها على أبيها، ويطيب نفسها ويخبرها عن أبيها ومكانه، ويخبرها بما يكون بعدها في ذريتها وكان علي عليه السلام يكتب ذلك، فهذا مصحف فاطمة. «۲» این روایت به صراحت املاکننده را جبرئیل تلقی می‌کند. در روایت دیگری آمده است که عمر بن یزید می‌گوید به امام صادق علیه السلام گفتیم: الذی أملى جبرئيل علي عليه السلام أقرآن؟! قال: لا. «۳» پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۴۳۱. رسول الله صلی الله علیه و آله در منابع و روایاتی از رسول الله صلی الله علیه و آله به عنوان املاکننده این مجموعه یاد شده است. برخی از این نقل‌ها بدین قرارند: از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: وعندنا مصحف فاطمة، اما والله ما فيه حرف من القرآن ولكنه املاء رسول الله وخط علي عليه السلام. «۱» و نیز از آن بزرگوار نقل شده است که فرمود: وعندنا والله مصحف فاطمة مافيه آية من كتاب الله وانه لأملاء رسول الله صلي الله عليه و آله وخطه علي بیده. «۲» روایت دیگری را نیز برخی از عالمان ضمن روایات «مصحف» آورده‌اند که تصریح به املا «رسول الله صلی الله علیه و آله» دارد، اما گویا آن روایت با این «مصحف» پیوندی ندارد. متن روایت چنین است: ... و ان عندنا كتاباً أملاء رسول الله صلي الله عليه و آله و خط علي، پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۳۲ صحیفه فیها كل حلال وحرام وانكم لتأتوننا بالأمر فتعرف اذا أخذتم به، وتعرف اذا تركتموه. «۱» به روشنی این گونه نقل‌ها نشانگر آن است که «رسول الله صلی الله علیه و آله» املا فرموده‌اند و مولا امیرالمؤمنین علیه السلام نگاشته‌اند. اکنون بنگریم با عناوین چهارگانه چه باید کرد: آیا می‌توان به گونه‌ای این «تعارض‌نمایی»

را حل کرد یا نه؟ روشن است که بین عناوین سه گانه اول تعارضی نیست. خداوند «مصحف» را به وسیله و یا به تعبیر دیگر به واسطه ملکی که همان جبرئیل باشد، املا کرده است. اما روشن است که پذیرش این که املاکننده جبرئیل بوده است، با باور به این که املاکننده پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است، در تعارض آشکار است. اکنون بنگریم که چسان می‌شود این تعارض را حل کرد. نکته‌ای را که قبل از حل تعارض می‌باید بدان توجه داشت - و در موضوع بحث مهم است - این است که از روایاتی که نشانگر این است که املاکننده جبرئیل بوده؛ به سادگی نمی‌توان از آنها دست برداشت؛ چرا که از یکسوی در میان آنها روایت «صحیح السند» وجود دارد - چنان که پیش تر آوردیم - و از سوی دیگر به صراحت روایات آمده است که این املا و نگارش و تدوین پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و در آن مدت کوتاه حیات فاطمه اطهر علیها السلام بوده پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۳۳ است؛ پس توجیه این که جبرئیل محتوای مصحف را به پیامبر صلی الله علیه و آله املا کرده و آن گاه آن حضرت برای فاطمه علیها السلام واخوانده، توجیهی ناموجه است.

احتمالات گوناگون در حل تعارض

۱. کتابی با محتوای گوناگون ممکن است چنان پنداشته شود که «مصحف» فاطمه، کتابی بوده است با محتوایی گوناگون که بخشی از آن معارفی بوده است به املائی پیامبر صلی الله علیه و آله و بخش دیگر به املائی جبرئیل. این احتمال گرچه دور نمی‌نماید، جز این که با تعبیر به کار گرفته شده در روایات، سازگاری ندارد. ظاهر روایات نشانگر این است که مصحف یکسر املائی یک نفر بوده است. نمونه‌هایی را بنگرید: ... و كان جبرئیل یأتیها ... و یخبرها عن أیها و ... فهذا مصحف فاطمه. «۱» فأرسل الیها ملكاً یسلی عنها غمها ویحدثها ... فجعل [ای علی یکتب کل ما سمع حتی أثبت من ذلك مصحفاً ... «۲» کاملاً روشن است که هر دو نقل - که همگونی‌هایی نیز پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۳۴ دارند - نشانگر آن است که جبرئیل (ملک) آن را یکسر املا کرده است؛ بدین سان تفکیک آن به دو بخش و دو املاکننده، خلاف ظاهر روایات است. ۲. دو گونه مصحف علامه سید محسن امین عاملی بر این باور رفته‌اند که حضرت را دو مصحف بوده است. یکی به املائی پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگری به املائی جبرئیل (ملک). «۱» سید امین رحمه الله که این احتمال را «اولی» می‌داند، هیچ قرینه‌ای بر «اولویت» ذکر پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۳۵ نمی‌کنند. اما توان گفت که احتمال سید امین را می‌شود با توجه به این نکته که فاطمه علیها السلام را یک و یا - دقیق‌تر - دو کتاب دیگر بوده است، تقویت کرد. یکی از آنچه را یاد شد، حضرت صادق علیه السلام در ضمن سخن درباره تعیین وزن «درهم» که مورد اختلاف بوده، یاد کرده است. آن حضرت در جواب پرسش حاکم مدینه و سؤال عبدالله بن حسن به گونه‌ای برخلاف آنچه مشهور بوده پاسخ گفته و چگونگی و چرایی آن پاسخ را مستند کرده است به «کتاب فاطمه». «۱» در نقل دیگری نیز امام علیه السلام از «کتاب فاطمه» یاد کرده است. «۲» به ویژه آن که «مصحف» فاطمه علیها السلام چنان که خواهد آمد، مشتمل بر احکام و تشریح نیست. و این حقیقت به گونه‌ای مؤید این است که آنچه را پیامبر صلی الله علیه و آله بر فاطمه علیها السلام املا کرده است، غیر از مصحف مورد گفتگو است؛ اما این احتمال ضعیف خواهد شد اگر بر این نکته توجه کنیم که در روایات از دو گونه «مصحف» سخن نرفته است، از دو مجموعه مکتوب یا بیش تر سخن رفته است و آنچه در روایات درباره «املا» ی مصحف سخن رفته، یک نوع است بدون دو گونگی. پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۳۶. مراد از رسول الله جبرئیل است این احتمال گویا پذیرفتنی‌ترین باشد. به ویژه اگر بدین نکته توجه کنیم که در ضمن روایتی از محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام آمده است: و خَلَفَتْ فاطمة مصحفاً ما هو قرآن، ولکنه کلام من کلام الله أنزل علیها املاء رسول الله و خطَّ علی علیها السلام. «۱» ظاهر روایت «تنافی» را می‌نمایاند؛ چرا که جمله‌ای از آن می‌گوید: «کلام من کلام الله أنزل علیها». این جمله نشانگر آن است که «نزول آنچه بوده برای حضرت زهرا علیها السلام بدون واسطه بوده

است» و اما جمله‌ای دیگر که می‌گوید: «املاء رسول الله صلی الله علیه و آله»، نمایانگر این است که املاکننده رسول الله صلی الله علیه و آله است و روشن است که اگر مراد از رسول الله صلی الله علیه و آله، پیامبر صلی الله علیه و آله باشد، این دو جمله با هم در تنافی خواهند بود؛ چرا که اگر مراد از «رسول الله» پیامبر صلی الله علیه و آله باشد و املاکننده هم آن بزرگوار باشد، دیگر تعبیر به «أنزل علیها» استوار نخواهد بود. بدین سان توان گفت که مراد از «رسول الله» جبرئیل است و چون چنین شود، تنافی از آن دو جمله نیز رخت برخواهد بست. بنابراین معنای کلام حضرت صادق علیه السلام این است که: «فاطمه علیها السلام مصحفی بر جای نهاده است که قرآن نیست. پژوهش‌گونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۳۷ اما کلام خداوند است که بر آن بزرگوار نازل شده و جبرئیل آن را املا کرده و علی علیه السلام نوشته است.» احتمال علامه مجلسی را با توجه به آنچه یاد شد، می‌توان تقویت کرد. یعنی پذیرفتنی است که جمله «رسول الله» منصرف است به رسول اکرم صلی الله علیه و آله - چنان که سید امین بر آن تأکید کرده است - اما قرینه گذشته، برای دست برداشتن از این ظاهر و انصراف بسنده است. افزون بر این که تعبیر از «ملائکه» به «رسول الله» در ادب کتاب و سنت بسی شایع و رایج است: «اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ». (۱) «خداوند از فرشتگان رسولانی برمی‌گزیند، و همچنین از مردم. خداوند شنوا و بیناست.» «الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةَ رُسُلًا». (۲) «سپاس ویژه خداوندی است که آفریننده آسمان‌ها و زمین است که فرشتگان را رسولانی قرار داد ...» (۳) پژوهش‌گونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۳۸ در سوره هود (آیه ۸۱) آمده است: «يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصْتَلُوا إِلَيْكَ». «گفتند: ای لوط، ما فرستادگان پروردگار توایم. آن‌ها هرگز دسترسی به تو پیدا نخواهند کرد.» ابوبصیر از صادقین علیهما السلام نقل می‌کند: لَمَّا قَالَ جَبْرَائِيلُ «إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ» قَالَ لَهُ لُوطٌ: يَا جَبْرَائِيلُ عَجَلٌ. (۱) «همین که جبرئیل گفت: «ما فرستادگان پروردگار توایم» لوط گفت: هان جبرئیل شتاب کن.» حضرت رضا علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارش، و آنان از علی علیه السلام و آن بزرگوار از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: الملائكة هم رسل الله. (۲) حضرت باقر علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام و آن امام همام از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: یا علی انی واللّه ما احدثک الا ما سمعته أذنانی، ووعاه قلبی، ونظره بصری ان لم یکن من اللّه پژوهش‌گونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۳۹ فمن رسوله یعنی جبرئیل علیه السلام فیاک یا علی أن تفضح سرّی. (۱) «هان! ای علی! به خدای سوگند هر آنچه برای تو وامی‌گویم، آن را از خداوند با گوش‌هایم شنیده و با قلبم دریافته و با چشمانم دیده‌ام. و اگر نه از خداوند نباشد از رسولش جبرئیل دریافته‌ام؛ پس هرگز اسرار و ناپیداهای مرا فاش نکن.» روایاتی که در آن‌ها از ملائکه و یا جبرئیل به رسول الله صلی الله علیه و آله تعبیر شده باشد بسی فراوان است و آنچه آمد نمونه‌ای است اندک از بسیار. بدین سان احتمال علامه را استوارتر می‌دانیم که «رسول الله» در روایت جبرئیل باشد؛ که بدین صورت هم تعارض از روایات رخت برمی‌بندد و روایات بسیاری که نشانگر آن بود که این حادثه پس از رسول الله صلی الله علیه و آله رخ داده است به قوت خود باقی می‌ماند.

محتوای مصحف

روایات بسیاری که درباره مصحف حضرت فاطمه علیها السلام از امامان علیهم السلام گزارش شده است، به چگونگی محتوای آن نیز اشاراتی روشن و روشن‌گر دارند. روایات چیزهایی را نفی کرده و حقایق و مسائلی را اثبات کرده‌اند. یعنی از پژوهش‌گونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۴۰ یکسوی تأکید کرده‌اند که مسائلی و مباحثی در مصحف نیست، و این همه تأکید و تصریح شاید نشانگر آن باشد که در همان روزگاران نیز از واژه «مصحف» نکاتی را می‌پنداشتند و یا می‌کوشیدند به پندارها بدهند که ناروا بوده است و امام علیه السلام با توجه بدان جو، بر نفی آن تأکید کرده‌اند. از سوی دیگر محتوای آن و چگونگی محتوا را برنمایانده‌اند. اکنون به آنچه در روایات، یاد شده، نگاهی بیفکنیم: ۱. مصحف فاطمه علیها السلام مشتمل بر قرآن نیست در قریب به

اتفاق روایات مرتبط با مصحف، تصریح شده است که مصحف فاطمه علیها السلام به هیچ روی مشتمل بر قرآن نیست. این همه تأکید و تصریح، به پندار ما، به لحاظ همان نکته‌ای است که پیش‌تر آوردیم. در روایاتی که از حضرت صادق علیه السلام درباره مصحف نقل شده است، امام علیه السلام با تعبیر مختلف اشتمال آن را بر قرآن، نفی کرده است. در برخی آمده است: ... و عندنا مصحف فاطمه، اما والله ما هو بالقرآن. «۱» حسین بن ابی‌العلاء می‌گوید که از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: پژوهش‌گونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۴۱ و مصحف فاطمه ما أزعم فيه «۱» [أنه «۲»] قرآناً در نقل محمد بن مسلم آمده است که فرمود: و خلقت فاطمة مصحفاً ما هو قرآن. «۳» در نقلی دیگر از امام صادق علیه السلام آن بزرگوار، با تأکید و تصریح فرموده‌اند: و عندنا مصحف فاطمة أما- والله- ما فيه حرف من القرآن. «۴» و در نقلی دیگر: ما فيه آية من القرآن. «۵» و از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نقل کرده‌اند که فرموده است: پژوهش‌گونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۴۲ عندی مصحف فاطمة ليس فيه شيء من القرآن. «۱» آنچه آوردیم، بخشی از روایات نشانگر نفی اشتمال «مصحف» بر قرآن بود؛ روایات دیگری نیز از این مطلب، به تأکید و تصریح سخن گفته‌اند. «۲» اکنون بیفزاییم که با توجه به آنچه آمد و با دقت در روایات بسیاری که به صراحت اشتمال «مصحف فاطمه علیها السلام» را بر قرآن نفی کرده‌اند و در میان آن‌ها روایات صحاح نیز کم نیست، اگر روایتی و گزارشی برخلاف آنچه آمده، باشد، بی‌گمان اعتباری نخواهد داشت و نباید بدان وقعی نهاد. مانند این روایت: محمد بن سلیمان دیلمی از ابوبصیر نقل می‌کند که وی از حضرت صادق علیه السلام گزارش کرده است که آن بزرگوار آیه «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ * لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ» را بدین گونه تلاوت می‌کرده است: «سأل سائل بعذاب واقع للكافرين بولاية علي ليس له دافع». پژوهش‌گونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۴۳ ثم قال هكذا هي في مصحف فاطمة. «۱» کتابی که علامه مجلسی روایت را از آن نقل می‌کند و از آن به رمز «کنز» یاد می‌کند، کتابی است با عنوان «کنز جامع الفوائد» که علامه آن را گزیده «تأويل الآيات الطاهرة» سید شرف‌الدین حسینی استرآبادی دانسته است که مؤلف یا عالمی دیگر و شاید علی بن سیف بن منصور آن را گزینش کرده باشد. «۲» نقل مجلسی گویا کوتاه شده روایتی است تقریباً مفصل که در کافی به گونه «اضمار» آمده و مشتمل بر این بخش منقول مجلسی رحمه الله نیز هست. «۳» بخش منقول مجلسی رحمه الله را شرف‌الدین استرآبادی در ذیل تأویل آیه یادشده و به دو نقل که هر دو یک نقل است و نه افزون بر آن آورده است. «۴» در تمام این نقل‌ها که سند تقریباً سیاق واحدی دارد، راوی خبر، ابوبصیر محمد بن سلیمان دیلمی است. او که گاه به «بصری» و دیگر گاه به «نصری» نام بردار شده است، «۵» بر اساس اظهار نظر قاطع رجالیان از غالیان پژوهش‌گونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۴۴ مطرود و ناستوارانی است که سخنش به هیچ روی پذیرفتنی نیست. ابن غضائری درباره او نوشته است: ضعيف في حديثه، مرتفع في مذهبه لا يلتفت اليه. «۱» نجاشی نوشته است: ضعيف جداً يُعَوَّلُ عليه في شيء. «۲» شیخ طوسی رحمه الله در ضمن اصحاب امام هفتم علیه السلام از او بدین سان یاد کرده است: محمد بن سلیمان البصری الدیلمی، له كتاب يرمى بالغلو. «۳» تفرشی نیز در کتاب ارجمندش نوشته است: الدیلمی ضعيف جداً، لا يعول عليه في شيء. «۴» آیه‌الله خوبی رحمه الله پس از گزارش دیدگاه‌های رجالیان، نکاتی را درباره او آورده است؛ از جمله این که: پژوهش‌گونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۴۵ ان محمد بن سلیمان، هذا لا يعمل بروايته لتضعيف النجاشي والشيخ المويد بتضعيف ابن الغضائري «۱» بدین سان این روایت یکسر مطرود و مردود است. افزون بر آنچه یاد شد، تعارض آن است با روایات بسیار و بعضاً «صحيح السند» که در این بحث به تکرار آن روایات آمده است. گزیده سخن این که، «مصحف» فاطمه اطهر علیها السلام به هیچ روی مشتمل بر قرآن نبوده است و هیچ کلمه و حرفی از قرآن در آن وجود نداشته است؛ و نصوص روایی بسیار، در این باره چنان روشن است که هیچ‌گونه تردیدی را بر نمی‌تابد. ای کاش آن‌گونه کسان که فقط با شنیدن این کلمه، چه و چها که به شیعه نسبت نداده‌اند، یکی از این روایات را می‌نگریستند «۲» و چونان عالم و مفسر بلندآوازه پژوهش‌گونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۴۶ مصری، آقای محمد ابوزهره بر این حقیقت خستو شده و آن را صریح

گزارش می‌کردند. نامبرده در ضمن بحث از روایات تحریف و نفی هرگونه تحریف از ساحت قرآن و تصریح و تأکید بر تحریف‌ناپذیری قرآن کریم، بخشی از روایتی از کافی را که در آن ضمن سخن از چگونگی «جفر» و «جامعه» و «مصحف فاطمه علیها السلام» سخن رفته است، می‌نویسد: «ظاهر صریح این روایت نشانگر آن است که، آنچه به پژوهش‌گونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۴۷ وسیله جبرئیل بر فاطمه علیها السلام عرضه شده است، هرگز مشتمل بر قرآن نبوده است.» (۱) «پژوهش‌گونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۴۹. ۲. مصحف فاطمه علیها السلام مشتمل بر احکام نیست دست کم در یک روایت به صراحت آمده است که «مصحف» مشتمل بر حلال و حرام نیز نیست. روایت چنین است: ... فجعل امیرالمؤمنین یکتب کلماته حتى أثبت من ذلك مصحفاً قال: ثم قال: أما أنه ليس فيه شيء من الحلال والحرام ولكن فيه علم ما يكون. (۱) این حقیقت را از روایاتی که اشتمال آن را بر قرآن نفی می‌کند، نیز توان فهمید. چون قرآن مشتمل بر احکام است پژوهش‌گونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۵۰ و نفی مصحف بر اشتمال به قرآن، ضمناً نفی اشتمال آن بر احکام نیز تواند بود. اکنون دیدگاه برخی از عالمان را بیاوریم که آن را مشتمل بر «حلال و حرام» دانسته و روشن است که آن بزرگواران در این روایات و یک روایت صریح تأمل نکرده‌اند. محقق عالیقدر لبنانی هاشم معروف الحسنی در ضمن بحث از عناوینی چون «جفر»، «جامعه» و «مصحف فاطمه علیها السلام» و چگونگی محتوای آن‌ها نوشته است: «روایاتی که بدین عناوین پرداخته‌اند، تصریح کرده‌اند که ... مصحف فاطمه علیها السلام مشتمل بوده است بر احکام و ...». (۱) و در موردی دیگر ضمن بحث از آنچه یاد شد، نوشته‌اند: «اما «مصحف فاطمه» مشتمل است بر بیش‌ترین احکام و اصول و بنیاد آنچه مردم بدان نیازمندند.» (۲) محقق سختکوش و حدیث پژوه، حضرت سید محمدرضا جلالی حسینی، در ضمن بحث از سیره معصومان علیهم السلام در تدوین حدیث از «کتاب فاطمه علیها السلام» سخن گفته‌اند و با تکیه بر مصادر، محتوای آن را اجمالاً شناسانده‌اند و از جمله با تکیه بر روایتی از کافی (۳) نوشته‌اند که «چگونگی زکات نقدین را امام علیه السلام با تکیه بدان جواب پژوهش‌گونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۵۱ داده‌اند» و در ادامه بحث نوشته‌اند که «کتاب فاطمه» همانی است که به «مصحف فاطمه» شناخته می‌شود. (۱) به پندار ما «کتاب فاطمه علیها السلام» غیر از «مصحف فاطمه علیها السلام» است؛ بنابراین در این سخن دو مسامحه صورت گرفته است: ۱. این که مصحف فاطمه علیها السلام همان کتاب فاطمه علیها السلام نیست. ۲. این که مصحف فاطمه علیها السلام مشتمل بر احکام نیست. علامه سید محسن امین عاملی رحمه الله در ضمن گزارش تفصیلی روایات مرتبط با مصحف، روایتی را نیز می‌آورد که به صراحت اشتمال آن بر «احکام و حلال و حرام» را نفی می‌کند. (۲) اما در ادامه بحث «مصحف فاطمه علیها السلام» را با «کتاب فاطمه» که از جمله مشتمل بوده است بر «احکام»، یکی تلقی می‌کند. پس مآلاً می‌پذیرد که مصحف مشتمل بر «احکام و حلال و حرام» بوده است. (۳) علامه سید محمدحسین فضل‌الله نیز ضمن باور به وحدت «کتاب فاطمه» و «مصحف فاطمه» نوشته‌اند: «ارجح اقوال این است که مصحف، مشتمل است بر حلال و حرام و ...» (۴) پژوهش‌گونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۵۲ خطیب مشهور، روانشاد سید محمد کاظم قزوینی نیز در کتاب سودمندش درباره حضرت زهرا علیها السلام ضمن سخن از لقب والای حضرت یعنی «محدثه» و گزارش روایات مرتبط با «مصحف» نوشته‌اند: «در فرجام این بحث می‌گوییم: مصحف فاطمه زهرا کتابی بوده است ضخیم و مشتمل بر تمام احکام شرعی و فراگیر قانون عقوبات در اسلام و ...» (۱) شگفتا که این داوری با این عنوان و تفصیل در هیچ روایتی وارد نشده است. این داوری از سوی عالمان بیش‌تر مستند است به روایتی که کلینی رحمه الله آن را در کافی آورده است؛ بدین گونه: عن الحسين بن ابی‌العلاء قال: سمعت ابا عبد الله يقول «ان عندی الجفر الأیض، قال: قلت فای شیء فيه؟ قال علیه السلام زبور داود و توراة موسی و انجیل عیسی و صحف ابراهیم و الحلال والحرام، و مصحف فاطمه، ما أزعم أن فيه قرآناً، وفيه ما يحتاج الناس الینا ولانحتاج الی احد حتی فيه الجلد و نصف الجلد و ربع الجلد و أرش الخدش.» (۲) پژوهش‌گونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۵۳ ظاهر روایت این است که امام علیه السلام فرموده‌اند: «نزد ما «جفر» است و ... و مصحف فاطمه علیها السلام که در

آن قرآن نیست و در آن آنچه بدان نیاز داریم، وجود دارد و ما به کسی نیازی نداریم و در آن حکم تعزیر است...» بر این اساس «مصحف فاطمه» نیز مشتمل خواهد بود بر احکام و در این صورت در تنافی خواهد بود با روایتی که به صراحت اشتمال آن را بر احکام و حلال و حرام تصریح کرده است. اکنون بنگریم این تنافی را چگونه می‌توان رفع کرد. علامه مجلسی نوشته‌اند: «شاید تمام «ضمیرها» در این روایت یا دو «ضمیر» اخیر در آن به «جفر» برمی‌گردد و نه «مصحف» بدین سان از روایات تنافی رفع می‌شود.» (۱) علامه سید جعفر مرتضی بر این باورند که جمله «وفیه مایحتاج الناس الینا» به «ما أزعم ان فیه قرآناً» عطف نشده است تا این که بیانگر محتوای مصحف باشد، بلکه آن جمله معطوف به «زبور داود و تورات موسی و ...» است. یعنی «جفر ایض» مشتمل است بر زبور داود و تورات موسی و مصحف فاطمه، و در آن [جفر ایض حلال و حرام است و آنچه مردمان بدان نیاز دارند. وی این تفسیر از روایت را از جمله مستند می‌کنند به روایاتی که محتوای «جفر ایض» را گزارش کرده‌اند؛ از جمله روایتی از عنبسه پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۵۴ ابن مصعب که در آن آمده است: جفر مشتمل است بر سلاح رسول‌الله صلی الله علیه و آله و کتاب‌هایی و مصحف فاطمه. «۱» آقای اکرم برکات نیز که تحقیقی همه‌سویه درباره «مصحف فاطمه علیها السلام» و نیز «جفر» انجام داده‌اند، بدون هیچ تردیدی بر این باورند که ضمیر در «... وفیه مایحتاج» به «جفر» برمی‌گردد، نه مصحف و این نکته را می‌کشند با قرائتی استوار سازند؛ از جمله: ۱. این که عین این مضمون در روایت دیگری آمده است. در آن روایت سخن از جفر است و اشتمال آن بر ریز و درشت احکام با همان تعبیری که در روایت مورد گفتگوی ما آمده است، و آن گاه از «مصحف» سخن رفته است. ۲. دیگر این که جفر در بیش‌ترین کاربرد آن در روایات، ظرفی است بزرگ و از جمله مشتمل بر کتاب «جامعه» که آن با این ویژگی‌ها، یعنی «... فیه مایحتاج الیه الناس ... ارش الخدش ... الجلد و ...» مکرر وصف شده است. «۲» با توجه به آنچه آمد، توان گفت که روایت «حسین پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۵۵ ابن علا» به هیچ روی دلالت ندارد که «مصحف فاطمه علیها السلام» مشتمل بوده است بر حلال و حرام و احکام شرعی. برخی از عالمان برای اشتمال «مصحف» بر احکام، به روایت طولانی دیگری نیز استناد کرده‌اند، «۱» که در آن آمده است که منصور دوانیقی از فرماندارش در مدینه می‌خواهد تا از چگونگی پرداخت زکات اموال براساس هر ۲۰۰ درهم، پنج درهم که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است و در زمان وی، در هر ۲۰۰ درهم، هفت درهم مقرر شده بود، از مردم مدینه به‌ویژه از حضرت صادق علیه السلام و عبدالله ابن الحسن پرسند. حضرت صادق علیه السلام پاسخ می‌دهند. عبدالله بن الحسن چون بر آن جواب آگاهی می‌یابد، از امام علیه السلام سؤال می‌کند که این پاسخ را از کجا گرفته‌ای؟ امام علیه السلام می‌فرماید: قرأت فی کتاب امک فاطمه ... «۲». برخی از عالمان از این پاسخ امام علیه السلام استفاده کرده‌اند که مراد از «کتاب فاطمه» مصحف بوده است، پس مصحف یادشده مشتمل بوده است بر احکام شرعی. «۳» پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۵۶ به پندار ما، مراد از «کتاب» در این روایت «مصحف فاطمه» نیست. یا کتابی است مستقل چنان که پیش‌تر احتمال داده‌ایم و یا این که در این روایت اساساً سخن از فاطمه اطهر علیها السلام نیست و به قرائتی «فاطمه» ی دیگری مراد است. احتمال این که «کتاب فاطمه» مجموعه‌ای باشد به جز «مصحف» فاطمه؛ احتمالی است که علامه مجلسی رحمه الله آن را آورده است. آن بزرگوار در ضمن شرح این حدیث و طرح این نکته که برخی از روایات به صراحت اشتمال مصحف فاطمه علیها السلام را بر احکام نفی کرده است. نوشته‌اند: «احتمال دارد مراد فقدان احکام شرعی بالاصاله باشد که با وجود اخبار و احادیثی که زمینه استنباط احکام شرعی را داشته باشد، منافات ندارد، دو دیگر این که «کتاب فاطمه» مجموعه‌ای باشد به جز «مصحف فاطمه». «۱» به پندار ما پذیرش این روایت احتمال‌اول را نفی می‌کند، چون آنچه در این روایت است، حکم صریح است و نه مستنبط؛ حکم بالاصاله است، نه مستخرج از روایات. احتمال دیگری که برخی از فاضلان یاد کرده‌اند «۲» و با پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۵۷ توجه به قرائتی نزدیک به واقع می‌نماید، این است که مراد از فاطمه در این روایت، فاطمه بنت‌الحسین علیه السلام مادر عبدالله بن حسن باشد، نه فاطمه زهرا علیها السلام. حضرت صادق علیه السلام

خطاب به عبدالله بن حسن فرمودند: «قرأت فی کتاب امّک ...» و فرمود «کتاب امّک فاطمه الزهرا» یا «کتاب جدتک الزهرا ...» چرا که: ۱. ممکن است آن بانوی جلیله، کتابی از پدر و یا برادر روایت می‌کرده است که در آن مسائلی از حلال و حرام بوده است و امام علیه السلام بدان اشاره کرده است. ۲. دیگر آن که براساس روایاتی امام حسین علیه السلام پیش از شهادت کتاب «جامعه» را نزد فاطمه، دخترش که مادر عبدالله بن حسن است، به امانت نهاده بود. امام علیه السلام به‌واقع بدان اشاره می‌کند، و با این اشارت از یکسوی جایگاه والای آن بانوی بزرگوار را می‌نمایاند و از سوی دیگر شاید به جهات سیاسی و فضای حاکم، نمی‌خواهد بنیاد و جایگاه «جامعه» را بنمایاند. این احتمال به ویژه با تکیه و تأکید بر وجه دوم بعید نمی‌نماید. کلینی رحمه الله دو روایت نقل می‌کند که امام حسین علیه السلام در آستانه شهادت، نگاشته‌ای را به فاطمه علیها السلام سپرد و وی پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۵۸ آن را پس از مدتی به امام زین‌العابدین علیه السلام می‌دهد و چون از آن بزرگوار از چگونگی کتاب سؤال می‌کنند، می‌فرماید: «در آن نیازمندی‌های مردمان است؛ حتی ارش الخدش». این ویژگی دقیقاً وصفی است که مکرر برای «کتاب جامعه» در روایات آمده است. روایاتی از این دست در بصائر الدرجات «۱» نیز آمده است. این احتمالات دست کم روایت را از قلمرو صراحت می‌اندازد و مفهوم آن را به‌اجمال می‌کشاند که دیگر نمی‌شود، برای اثبات مدعا بدان استناد کرد. بدین‌سان توان گفت که «مصحف فاطمه علیها السلام» مشتمل بر احکام و مسائل حلال و حرام نبوده است.

محتوای مصحف

اکنون بنگریم که آن مجموعه گرانقدر، مشتمل بر چگونه مسائلی بوده است، و پیک الهی در آن دیدارهای ملکوتی از چه حقایقی با فاطمه اطهر علیها السلام سخن می‌داشته است. پیش‌تر آوردیم که روایات در باب «مصحف فاطمه» در منابع روایی فراوان است و در بسیاری از آن‌ها چگونگی محتوای مصحف گزارش شده است؛ از جمله در حدیثی که در آغاز بحث آوردیم، یعنی «صحیح» ابو عبیده. پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۵۹. ۱. جایگاه پدر و آینده فرزندان در ضمن آن روایت آمده بود: «ویخبرها عن أیها ومكانه ویخبرها بما یکون بعدها فی ذریتها ...» [در این گفتگوها جبرئیل از پدر و جایگاهش و از آنچه درباره فرزندان آن حضرت در گذرگاه زمان اتفاق می‌افتد، سخن می‌گفت و گزارش می‌داد. «۱»] ۲. رویدادهایی از آینده در ضمن برخی از روایات آمده است که در آن مجموعه از رویدادهای آینده سخن رفته است و حتی گاهی برخی از امامان علیهم السلام پیشگویی‌های خویش را بدان مستند کرده‌اند. در روایت حماد بن عیسی به نقل از حضرت صادق علیه السلام آمده است که: ... انه لیس فیہ شیء من الحلال والحرام ولكن فیہ علم ما یکون. «... در آن از حلال و حرام چیزی نیست، اما مشتمل است بر آگاهی‌های آینده.» ۲. پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۶۰ در نقل دیگری آمده است: ففیہ ما یکون من حادث ... «۱» چنان که پیش‌تر آوردیم، امامان علیهم السلام گاه در این موضوع به «مصحف» استناد کرده‌اند؛ از جمله امام صادق علیه السلام درباره ظهور و بروز جریان «زندقه» و ... «۲» ۳. یاد پیامبران و اوصیا از برخی نقل‌ها می‌توان دریافت که مصحف از جمله مشتمل بوده است بر یادکرد پیامبران و اوصیای آن‌ها. ابن شهر آشوب آورده است که درباره «محمد بن عبدالله بن حسن» از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند، امام علیه السلام فرمودند: «هیچ «نبی»، «وصی» و «ملکی» نیست جز آن که نامش در کتابی با عنوان «مصحف» فاطمه نزد من است و من بدان نگرستم و در ضمن آن‌ها نام «محمد بن عبدالله» را ندیدم.» ۳. محمد بن عبدالله بن حسن مشهور به «نفس زکیه» مراد است که به روزگار امام صادق علیه السلام علیه حکومت بنی‌عباس قیام کرد. مردمان را برای بیعت به سویش فراخواند و پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۶۱ براساس برخی از روایات، «۱» امام صادق علیه السلام را نیز به بیعت دعوت کرد. امام علیه السلام او را از خیزش و رویارویی با حکومت نهی کرد، اما او نپذیرفت. بنابراین بدان روزگار کسانی بودند که برای محمد بن عبدالله، جایگاه «وصایت» را باور داشتند و امام علیه السلام با توجه بدان فضا در جواب سؤال‌کننده،

بدان گونه که گذشت، پاسخ داده‌اند. «۲» پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۴۶۲. یادکرد حاکمان در روایتی که پیش‌تر آوردیم از جمله آمده است که: ... و اما مصحف فاطمه ففیه مایکون من حادث، و اسماء من یملک الی أن تقوم الساعه ... «۱» در روایت فضیل بن سکره از امام صادق علیه السلام نیز همین مضمون آمده است، نهایت امام علیه السلام در آن نقل از «کتاب فاطمه» یاد می‌کند و نه از «مصحف فاطمه» اما آهنگ کلام تقریباً همان آهنگ روایت «مناقب» است که با تکیه بر نفی نام «محمد بن عبدالله بن حسن» جزء اوصیا بر وجود نام حاکمان تصریح شده بود. «۲» پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۵۶۳. وصیت فاطمه علیها السلام در روایات متعددی از اشمال «مصحف فاطمه علیها السلام» بر «وصیت» آن بزرگوار یاد شده است. در ضمن روایت سلیمان بن خالد از امام صادق علیه السلام آمده است که: ... ولیخرجوا مصحف فاطمه فان فیہ وصیة فاطمه علیها السلام ... «۱» اکنون بنگریم وصیت چه می‌تواند باشد. در روایات مرتبط با فاطمه اطهر علیها السلام از دو گونه وصیت سخن رفته است. وصیتی مرتبط با چند قطعه باغ و وصیتی سیاسی درباره چگونگی برخورد حاکمیت با آن حضرت و مسائل مرتبط با مراسم تدفین و گویا مراد از وصیت همین‌ها باشد.

وصیت مربوط به باغ‌ها

در روایات متعددی آمده است که فاطمه علیها السلام مکتوبی بر جای نهاده است مشتمل بر وصیت آن بزرگوار. از جمله: عن أبي بصیر «قال: أبو جعفر علیه السلام: الا أحدثک بوصیة فاطمة علیها السلام؟ قلت بلی، فأخرج حقاً أو سَفَطاً فأخرج منه کتاباً فقرء [ه بسم الله الرحمن الرحیم: هذا ما پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۶۴ اوصت به فاطمه بنت محمد ... «۱» ابوبصیر می‌گوید، حضرت باقر علیه السلام گفت: درباره وصیت فاطمه سخنی بگویم؟! گفتیم: بلی. آنگاه امام پوستی بیرون و از میان آن کتابی برکشید که در آن نوشته بود: بسم الله الرحمن الرحیم. این است آنچه بدان وصیت کرده است دختر محمد صلی الله علیه و آله ... محتوای این وصیت که در روایات به اجمال و تفصیل گزارش شده است، چگونگی «تولیت» «باغ‌های هفتگانه» است که پیامبر صلی الله علیه و آله آن‌ها را وقف فاطمه علیها السلام کرده بود. آن حضرت در این وصیت، تولیت آن را به علی علیه السلام و آن‌گاه امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و آن‌گاه فرزند بزرگ از فرزندان اباعبدالله الحسین علیه السلام و نهاده است.

«۲»

وصیت سیاسی

پس از پیامبر صلی الله علیه و آله با دگرسانی صحنه سیاست و رقم پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۶۵ خوردن حاکمیت برخلاف آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله با تکیه بر وحی الهی رقم زده بود؛ و به «تن کشیدن جامه خلافت کسی که آن جامه بدان قامت سخت ناراست بود» فاطمه اطهر علیها السلام برای احقاق «حق خلافت» و «خلافت حق» بپا خاست و در این راه چونان وظیفه‌ای الهی بسی کوشید؛ از آن سوی حاکمان و سیاست‌آفرینانی که حاکمیت را بدان گونه که می‌خواستند و اندیشیده بودند، رقم زده بودند با آن «ظاهر مطهره» مقابله کردند، به ستیز برخاستند، ستم روا داشتند، بر پیشاروی خانه‌اش خار و خاشاک اندودند و بر درب خانه‌ای که هنوز پژواک بیک وحی را به روشنی در خود داشت، آتش ریختند. شگفتا که بر این همه دژم‌اندیشی، سیه‌رویی و بی‌پروایی، افتخار هم کردند. فاطمه اطهر علیها السلام که دید در برابر «قوه قاهره» حکومت و منطق «اصالت قهر و غلبه» نمی‌تواند کاری کند، و «آب رفته بر جوی باز نمی‌گردد» و به تعبیر بیدارگر و تکان‌دهنده‌اش: «آنان که روزگاری با عرب در افتاده بودند و رنج کارزار به جان خریده بودند و با امت‌ها به رزم برخاسته با پهلوانان نبرد کرده بودند ... اکنون میراث پدر گرامی زهرا را به تاراج می‌دیدند و خودش را ستم‌روا شده، شمشیر به نیام کرده فریاد دادخواهی زهرا اطهر را پاسخ نمی‌گفتند ... چون

خواری با وجودشان سرشته و نیرنگ بر دل‌هایشان چیره پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۶۶ گشته بود ... «۱» و به تعبیر مولای متقیان امیرمؤمنان: «می‌دید که حقی که به من رسیده و از آن من است به تاراج رفته، غارت می‌شود، با این همه چونان کسی که بر چشمش خاری بخلد و در گلویش استخوان گیر کند، شکیبایی پیشه کردم.» «۲» باری چون چنین شد، زهرای اطهر علیها السلام نیز چونان همسر مظلوم و بزرگوارش «بعد اللتیا والتی» شکیبایی پیشه کرد، اما برای این که آنچه را بر او روا شده است، در کانون پرسش‌ها و جستجوگری هوشمندان قرار دهد، و برای روشن شدن آنچه رخ داده بود، تدبیری اندیشید، و «وصیت» کرد؛ وصیتی هوشمندانه، انگیزاننده، جانسوز، و اندیشه‌برانگیز: ... [خطاب به علی علیه السلام اذا انامت فغسلنی بیدک و حنطنی و کفنی وادفنی لیلاً- ولایشهدنی فلان و فلان ... «۳» پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۶۷ در برخی نقل‌ها آمده است که «ولا تؤذن رجلین ذکرهما» و گونه‌های دیگری نیز نقل شده است که محتوای آن‌ها یکسان است و آن تأکید بر انجام مخفیانه و شبانه مراسم «کفن و دفن»! و اعلام عملی انزجار، شکوه و موضع خشم‌آلود از «حاکمیت» و موضع حاکمان و ... «۱»

حجم مصحف

در برخی از روایات مرتبط با مصحف فاطمه علیها السلام، از حجم آن نیز سخن رفته است. در روایت ابوبصیر که بارها در ضمن این مبحث بدان اشاره شده است، آمده است: وان عندنا مصحف فاطمه علیها السلام و ما یدرهم ما مصحف فاطمه، قال: مصحف فیه مثل قرآنکم پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۶۹ ثلاث مرات، واللّه مافیہ من قرآنکم حرف واحد ... «۱» در این سخن به صراحت حجم آن سه برابر قرآن دانسته شده است. اکنون بیفزاییم که پرسیدنی است که آیا امام علیه السلام در این سخن در پی آن است که حجم فیزیکی آن را دقیقاً مشخص کند؟ «سه برابر» آیا چندی و چونی دقیق آن را نشان می‌دهد؟ آیا در این سخن اشارتی به محتوا و گستره دانش نهفته در آن نیست؟ این عدد کنایه از کثرت نیست؟ هیچ گونه قرینه و یا قرآینی در روایات برای پاسخ بدین سؤال‌ها نداریم. صراحت سخن درباره حجم آن در سنجش با قرآن به لحاظ کمی است.

مصحف چونان میراثی ماندگار در نزد امامان علیهم السلام

از نقل‌های فراوانی توان دریافت که مصحف فاطمه علیها السلام چونان میراثی در نزد امامان علیهم السلام می‌بوده است، و امامان علیهم السلام در هنگامه بدرود زندگی، مصحف را به امام بعدی تحویل می‌دادند. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: ما مات ابوجعفر حتی قبض مصحف فاطمه علیها السلام. «۲» پیش‌تر آوردیم که حضرت صادق علیه السلام یک آینده‌نگری پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۷۰ را به «مصحف فاطمه علیها السلام» مستند کرده بود، و در نصوص مختلفی، امامان علیهم السلام با تعبیر «عندی» و یا «عندنا»، از آن سخن گفته‌اند که نشانگر وجود آن اثر گرانقدر چونان میراثی در محضر امامان علیهم السلام است. چنین است که حضرت رضا علیه السلام در ضمن شماره نشانه‌های امامت، از جمله فرموده‌اند: ... نزد او «جفر» و «جامعه» است و نیز «مصحف فاطمه». «۱» بدین سان روشن است که اکنون آن صفحات زرین در محضر حضرت حجه بن الحسن العسکری علیه السلام است. این حقیقت در این روایت نیز به روشنی آمده است. عبدالملک بن اعین می‌گوید: أرانی ابوجعفر علیه السلام بعض کتب علی علیه السلام ثم قال لی: لا تحاسبی کتب هذه الکتب؟! قلت: أبین الرأی فیها، قال: هات، قلت: علم أن قائمکم یقوم يوماً فأحب أن یعمل بما فیها. قال: صدقت. «۲» «حضرت باقر علیه السلام قسمتی از کتاب‌های علی علیه السلام را به من نشان داد و فرمود: امیرمؤمنان برای چه این‌ها را نوشت؟ گفتم: بسیار واضح است. فرمود: بگو. گفتم: می‌دانست که پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۷۱ روزی قائم شما قیام می‌کند؛ خواست مطابق آن‌ها عمل

کند. فرمود: راست گفتم. علامه عالیقدر، شیعه‌شناس بزرگ، شیخ آقابزرگ تهرانی نوشته‌اند: «مصحف فاطمه» از جمله میراث امامت نزد پیشوا و مولای ما صاحب‌الزمان علیه السلام است. این حقیقت از طرق متعدد از امامان علیهم السلام در روایات ما گزارش شده است. «۱» بدین رو «مصحف فاطمه علیها السلام» مجموعه‌ای است آکنده از حقایق الهی که به وسیله پیک ربّانی بر فاطمه اطهر علیها السلام قرائت شده و مولا امیرالمؤمنین علیه السلام آن را نگاشته و پس از خود نزد فرزندان به میراث مانده است.

نگاهی به برخی داوری‌ها درباره مصحف فاطمه علیها السلام

اکنون و پیش از آن که به «تکمله» بحث پردازیم سزایم است از برخی داوری‌های نادرست یاد کنم، با اشاره‌ای به چگونگی آنها، پرداختن به این دو داوری بدانجهت است که هر دو نویسنده دارای آوازه‌ای بلند و جایگاهی شایسته در پژوهش‌اند. استاد ارجمند جناب آقای پروفسور مدرسی طباطبایی در کتاب بسیار ارجمند و سودمند خود «میراث مکتوب شیعه» ضمن گزارش نقل‌های مختلف مرتبط با مصحف که ما در این مقاله آورده‌ایم، به نکاتی پرداخته مانند اینکه پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۷۲ «گویا مصحف مشتمل بر احکام شرعی بوده است» یا مشتمل بر «اندیشه‌های باطنی بوده است» و ... فراتر از این همه به نوعی چگونگی و یا چگونگی‌های «مصحف» را چه به لحاظ فیزیکی و چه به لحاظ محتوی ساخته و پرداخته و آن را بسط داده شده نقل و یا نقل‌های کوتاهی دانسته‌اند که راویان چنان کرده‌اند و در نهایت با استناد به نویسنده‌ای معاصر!! بر این باور می‌روند که مصحف «تغییر تکاملی فکر وجود یک‌صحیفه به یک‌مصحف است و ...» «۱» نوشته وی مشتمل بر چندین و چند داوری نادرست است اندیشه‌های باطنی یعنی چه؟! دیگر اینکه با تکیه بر یک روایت و با عدم دقت در متن آن، «مصحف» را مشتمل بر احکام دانستن و آنگاه نوشتن که احتمالاً [این روایت موضوع کتاب را بسط داده و مطالبی را که مردم برای انجام وظایف دین‌شان بدان محتاجند از جمله، جزئیات دیات اعضای انسانی را در آن جای می‌دهد، چه معنایی دارد! پیشتر روایت یاد شده را آوردیم و گفتیم در آن روایت [روایت حسین بن ابی العلاء] ضمیر به جفر ابیض برمی‌گردد نه مصحف. و از همه شگفت‌انگیزتر داوری پایانی بحث است، یعنی اینکه مصحف صورت تفصیلی حدیث جابر باشد، آوردیم که دستکم سند برخی از احادیث نشانگر اینکه این محتوی به وسیله جبرئیل املاء پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۷۳ شده و علی علیه السلام در محضر فاطمه علیها السلام نگاشته است، صحیح است، آنگاه چگونه می‌شود مجموعه‌ای بدانسان سترگ را تفصیل یافته «صحیفه‌ای» دانست در حد چند ورق در جهت یاد کردن امامان علیهم السلام و ... بگذریم که برخی از نقل‌های وی از احادیث نیز دقیق نیست. دیگر یادکنم از داوری استاد بلند آوازه مغربی دکتر محمدعابد جابری، که محقق است شناخته شده و دارای آثاری بسیار و به ویژه با سمت و سویی نقادانه و به اصطلاح روشنفکرانه. وی در جدیدترین اثرش «مدخل الی القرآن الکریم» از جمله به موضوع «تحریف قرآن» در اندیشه متفکران و عالمان شیعه پرداخته و در ضمن آن از «مصحف فاطمه علیها السلام نیز یاد کرده‌اند. وی آورده است که: در این بحث از غالیان شیعه یاد می‌کنیم که آنان از محدوده تحریف فراتر رفته و ادعای نبوت و تلقی وحی کرده‌اند، چرا که پیشوایان شیعه از روزگاران کهن تا امروز از غالیان و اندیشه‌های آنان بیزار می‌جسته‌اند، بدین سان فقط به مطالبی بسنده می‌کنیم که در مصادر رسمی شیعی موجود است از جمله مطالبی که به شیعه نسبت داده‌اند اینکه برخی از آنان به صراحت مدعی وجود «مصحفی» هستند و ویژه فاطمه علیها السلام دختر رسول‌الله صلی الله علیه و آله با عنوان «مصحف فاطمه» اما برخی از مراجع و منابع شیعی «مصحف» به معنای «قرآن» بودن آن را نفی کرده‌اند، و پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۷۴ می‌گویند که «مصحف فاطمه علیها السلام تفسیر برخی از احکام شرعی است به املاء رسول‌الله صلی الله علیه و آله و نگارش امام علی علیه السلام. «۱» شگفتا حضرت استاد (با اینکه آثار وی نشان می‌دهد که برخی از منابع و آثار شیعی را دیده است)، بدون تأمل و دقت و بدون مراجعه به منابع روایی شیعی، در دو سطر چندین و چند اشتباه مرتکب شده‌اند. ۱. هیچ عالم و محدث و مفسر و فقیه شیعی، مصحف فاطمه را،

مصحف قرآنی تلقی نکرده است، پس این کدام مرجع رسمی شیعی است که استاد تصریح کرده‌اند که با استناد به آنها سخن خواهند گفت. ۲. مصحف فاطمه علیها السلام هرگز مشتمل احکام شرعی و تفسیر آنها نبوده است. ۳. مصحف فاطمه علیها السلام املاء سیدنا رسول الله صلی الله علیه و آله! نبوده است بلکه چنانکه گذشت املاء جبرئیل است برای فاطمه علیها السلام و خط علی علیه السلام. شگفتناستادی بلند پایه چونان دکتر جابری با آن‌همه ادعای آزاداندیشی و شکستن حصارهای مسلکی و مذهبی و داعیه داری «نقد عقل عربی» و با تصریح به نوشتن بر پایه «مراجع رسمی» یک مذهب، در دو سطر چند اشتباه بزرگ مرتکب می‌شود، استاد در ادامه بحث هم درباره تحریف «گاه به میخ‌زده و گاه به نعل» و با اینکه پژوهش‌گونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۷۵ «البیان» آیت‌الله خویی رضوان الله علیه را در اختیار داشته و از بحث تحریف وی مطلب نقل کرده است، با اینهمه بحث را چنان سامان می‌دهد که گویا شیعه همچنان در بخش مهمی معتقد به تحریف است!! برخی از ناستواری‌ها و کژنویسی‌ها درباره مصحف فاطمه علیها السلام را در ضمن مقاله آوردیم، بر آن هم یک داوری منصفانه و هوشمندانه را نیز بیفزاییم. آقای عبدالحمید جندی در کتاب ارجمند خود الإمام جعفر الصادق علیه السلام از «مصحف فاطمه علیها السلام» یاد کرده است و پس از نقد روایتی که در آغاز بحث آوردیم نوشته‌اند: پس این مصحف به معنای اصطلاح ویژه «مصحف» که از آن کتاب الهی مراد می‌شود نیست؛ بلکه قطعاً از مدونات حدیثی آغازین شیعه است. «۱» و اکنون با «تکمله‌ای» بحث را به پایان می‌بریم. این تکمله را از آن جهت افزودیم که چگونگی باور شیعه درباره «مصحف فاطمه علیها السلام» از جمله پرسش از چرایی و چگونگی ارتباط ملائکه با آن بانوی اطهر را برانگیخته است.

تکمله

اکنون و در فرجام سخن درباره مصحف فاطمه علیها السلام شایسته است به یکی از «القاب» فاطمه اطهر علیها السلام که از یکسوی به گونه‌ای با بحث ما مرتبط است، و از سوی دیگر پژوهش‌گونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۷۶ توجیه‌گر و تبیین‌کننده چرایی و چگونگی وارد شدن جبرئیل بر حضرت زهرا علیها السلام و سخن گفتن با آن بانوی اطهر، پردازیم. از جمله القاب والای فاطمه اطهر علیها السلام لقب «محدثه» است. حضرت صادق علیه السلام درباره این «منقبت» والای آن بزرگوار فرموده است: فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله کانت محدثه ولم تكن نبیة، انما سمیت فاطمه محدثه لأن الملائكة کانت تهبط من السماء فتتأدیها- کما تنادی مریم بنت عمران «فاطمه دختر رسول خدا «محدثه» بود نه پیامبر. فاطمه را از این رو «محدثه» نامیده‌اند که فرشتگان از آسمان بر او نازل می‌شدند و با او- همان‌گونه که با مریم بنت عمران گفت‌وگو داشتند- سخن می‌گفتند...». «۱» حضرت صادق علیه السلام بر پایه این روایت، از یکسوی آن حضرت را به این «منقبت والا» می‌ستاید و از سوی دیگر این عنوان را تفسیر می‌کند. این تفسیر از «محدث»، یعنی این که، «محدث»، «سخن پیک الهی را می‌شنود و او را نمی‌بیند» در روایات بسیاری با الفاظ مختلف آمده است؛ به مثل: پژوهش‌گونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۷۷ المحدث الذی یسمع الصوت ولا یری شیئاً. «۱» المحدث فهو الذی یسمع کلام الملک فیحدثه من غیر أن یراه ... «۲» المحدث الذی یسمع کلام الملائكة وحديثهم ولا یری شیئاً بل ینقر فی أذنه و ینکت فی قلبه. «۳» باهمین تصویر از «محدث» در روایات بسیاری امامان علیهم السلام و اوصیاء رسول الله صلی الله علیه و آله و حتی برخی از نیک‌کرداران پاک‌نهاد، مانند سلمان «محدث» دانسته شده‌اند. «۴» عالمان پژوهش‌گونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۷۸ اهل سنت نیز از یکسوی وجود «محدث» در فرهنگ اسلامی را پذیرفته‌اند و از سوی دیگر همین تصویری را که برای «محدث» از روایات شیعی آورده‌ایم در منابع تفسیری و روایی آورده‌اند. بنابراین عنوان «محدث»- برخلاف آنچه برخی از فاضلان اهل سنت پنداشته و یا کوشیده‌اند بر پندارها بدهند «۱»- چیزی نیست که شیعه آن را ساخته و پرداخته و پیشوایانشان را بدان ستوده باشند. باور به این عنوان در میان مذاهب اسلامی همگانی بوده و روایات و نصوص آن نیز در

منابع فریقین آمده است. علامه امینی در این باره نوشته‌اند: «دانشمندان شیعه و سنی همگی قائل به وجود «محدث» در اسلام می‌باشند و معتقدند که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله یقیناً بشری «محدث» (الهام‌گیرنده و گوش‌فرا دهنده به حدیث فرشتگان) باید وجود داشته باشد؛ انسانی که تمام گفتار و کردارش مطابق فرامین الهی و مورد تصدیق و تصویب خدایی است. هم صحبت و هم‌راز چنین فردی، آن فرشته‌ای است که واسطه فیض از جانب خداست و شخص محدث آنچه دستور می‌گیرد با کمال فرمان‌پذیری به آن عمل می‌کند. اعتقاد شیعیان این است که ائمه اطهار همگی «محدث» می‌باشند، دانشمندان سنی نیز قائلند بر این که بعد پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۷۹ از پیامبر صلی الله علیه و آله بشری محدث باید وجود داشته باشد، تا فرشتگان با او حدیث گویند و از جانب خدای تعالی راه‌های حق و باطل را به او نشان دهند.» (۱) آوردیم که این باور در منابع فریقین آمده است. بدین‌سان سخن عالمان اهل سنت نیز مستند است بر روایاتی چند که از جمله در صحاح آن‌ها آمده است؛ از جمله بخاری گزارش می‌کند: قال النبی: لقد کان فیمن کان قبلکم من بنی اسرائیل رجال یکلمون من غیر أن یكونوا أنبیاء. فإن یکن من امتی منهم احد فعمر. (۲) همگون با این نقل را مسلم چنین آورده است: عن النبی: قد کان فی الأسم قبلکم محدثون، فان یکن فی امتی منهم احد فانّ عمر بن الخطاب منهم. (۳) آن‌گاه مسلم خود از قول ابن‌وهب نقل می‌کند که در تفسیر «محدثون» گفته است: پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۸۰ تفسیر محدثون، ملهون. و قسطلانی در شرح خود بر بخاری نوشته است: «محدثون» یعنی این که راستی بر زبان آن‌ها جاری می‌شود، بدون این که «نبی» باشند. (۱) از خطابی آورده است که: یعنی چیزی بر دل او [محدث] افکنده می‌شود؛ بدان‌سان که گویا با او سخن گفته شده است... (۲) پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۸۱ قرطبی نیز در تفسیرش به مناسبت قرائتی منسوب به ابن‌عباس در تفسیر «محدث» نوشته است: «محدث» (به فتح دال) یعنی «مُلهَم» آن که به درستی و راستی گمان می‌برد؛ آن که در جانش حق به گونه الهام و مکاشفه از ملأ‌اعلی‌القا می‌شود، یا راستی و درستی بر زبانش جاری می‌شود، یا ملائکه بدون این که پیامبر باشد، با او سخن می‌گویند یا چون سخن می‌گویند و اندیشه‌ای ابراز می‌دارد، درست است و استوار، که گویا آن سخن بدو عرضه شده است و در جانش از عالم ملکوت الهام شده است... این جایگاه کرامتی است که خداوند آن را بر بندگان صالحش کرامت می‌کند؛ منزلتی است والا از منزلت‌های اولیای الهی. (۱) با توجه و تکیه به آنچه آمد و همگنان آن‌ها است که علامه امینی رحمه الله در اثر جاویدانش «الغدیر» نوشته است: «امت اسلامی در این که در این امت مانند امت‌های پیشین مردمانی خواهند بود «محدث» یک داستانند. و بر این حقیقت آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله در «صحاح» و «مسانید» فریقین وارد شده است، گواهی است روشن.» (۲) سخن قرطبی را پیش‌تر آوردیم، که براساس تفسیر وی این جایگاه کرامتی است الهی، که خداوند آن را به پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۸۲ نیک‌نهادان و پاک‌دلان و پیراسته‌جانان کرامت می‌کند. از این روی با نگاهی گذرا در منابع رجالی اهل سنت کسان بسیاری را توان یافت که «محدث» تلقی شده‌اند؛ مانند عمران بن حصین خزاعی (م ۵۲) (۱)، ابوالمعالی الصالح (م ۴۲۷) (۲) و... با این همه آیا آن‌گونه کسان که، با تکیه به روایاتی با محتوایی که یاد شد، به شیعه نسبت‌های ناروا می‌دهند و همه‌جا می‌پراکنند که آنان بر این باورند که به امامانشان و... وحی می‌شود. آیا از نصوص یاد شده در منابع خود خبر ندارند؟! و از مصادیقی که عالمانشان برای «محدث» برشمرده‌اند، آگاهی ندارند؟! اگر چنین باشد، آیا این‌گونه کسان می‌دانند که افترا می‌بندند؛ نه به یک تن و تنی چند از عالمان، بلکه بر جریانی ناب در تفکر اسلامی؟ علامه امینی رحمه الله پس از بحثی ارجمند در این زمینه نوشته‌اند: «در میان این امت، مردمانی بوده‌اند «محدث»، چنان که در میان امت‌های پیشین بوده‌اند. امیرمؤمنان، فرزندان پیشوایان پاک‌عالمان محدث بوده‌اند و پیامبر نبوده‌اند. این جایگاه ویژه آنان و ویژه منصب امامت آن‌ها نبوده و نیست، بلکه صدیقه طاهره- کریمه نبی اعظم- «محدثه» پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۸۳ بود، سلمان فارسی «محدث» بود. باری، تمام امامان علیهم السلام از عترت طاهره محدث بودند. اما هر محدثی امام نیست، و «محدث» آگاه به اموری است که حقایق بدو

براساس آنچه راه‌هایش در روایات آمده است، الهام می‌شود. این است آنچه شیعه بدان باور دارد و نه جز آن. و این است آنچه در نصوص فریقین درباره «محدث» آمده است، بدون اختلاف در میان مذاهب اسلامی و بدون این که شیعه در این باره سخنی برخلاف آنچه دیگران بر آن باور دارند، گفته باشد. «۱» علامه عالیقدر آن‌گاه از سر سوز و درد، سخنان عبدالله قصیمی را یاد می‌کند، با تأکید بر کذب محض بودن آنچه او گفته است و آن‌گاه بحث را - چونان که در همه بحث‌ها شیوه اوست - با این آیت الهی فرجام می‌دهد: «۲» پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۸۴ «إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَاذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ». «۱» دامن سخن را درباره «مصحف فاطمه علیها السلام» برمی‌چینیم، و از خداوند متعال برای فهم شخصیت والای معصومان علیهم السلام و درک ابعاد آموزه‌های آن عزیزان، و زندگی بر پایه «سنت» آنان که «صراط الهی است» توفیق می‌طلبیم.

فهرست منابع

۱. نهج البلاغه. ۲. بصائر الدرجات فی المقامات و فضائل أهل البيت عليهم السلام، للعلامة شيخ القميين أبي جعفر محمد بن صفار (۲۹۰ م) قدم له وعلق عليه و صححه: الحاج ميرزا «محسن كوچه باغی»، بی‌نا، بی‌تا. ۳. الكافي، ثقة الاسلام ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق الكلینی الرازی رحمه الله، صححه وعلق عليه علی اكبر الغفاری، تهران، دار الكتب الاسلامیه، الطبعة الثالثة، ۱۳۸۸. ۴. عوالم العلوم والمعارف والأحوال من الآيات والأخبار والأقوال، فی أحوال سيدة النساء فاطمة الزهراء، (ج ۱۱) للمحدث الكبير المتتبع الخبير الشيخ عبدالحی البحرانی الاصفهانی ومستدرکاتها، للسید محمد باقر بن المرتضی الموسوی الموحد الأبطحی الاصفهانی، تحقیق و نشر: مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام، الطبعة الرابعة، ۱۴۲۵. ۵. اعيان الشيعة، للعلامة السيد محسن الأمين، بيروت، مطبعة الانصاف، الطبعة الثالثة، بی‌تا. ۶. مأساة الزهراء عليها السلام، شبهات و ردود، سماحة العلامة المحقق السيد جعفر مرتضى العاملي، بيروت، دار السيرة، الطبعة الأولى، ۱۴۱۷. ۷. حوار مع فضل الله حول الزهراء، السيد هاشم الهاشمي، دار الهدى پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۸۶ للطباعة والنشر، بی‌جا، الطبعة الثانية. ۸. آيينه پژوهش، ویژه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی (دو ماهنامه) مدير مسؤول: محمد جعفر گیلانی، سردبیر: محمد علی مهدوی راد. ۹. میراث مكتوب شیعه، از سه قرن نخستین شیعه، دکتر سید حسین مدرس طباطبایی، ترجمه: سید علی قرائی، رسول جعفریان، قم، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، ۱۳۸۳. ۱۰. مرآت العقول فی شرح أخبار آل الرسول، العلامة شیخ الاسلام المولى محمد باقر المجلسی، اخراج و مقابلة و تصحيح: السيد هاشم الرسولی، تهران، دار الكتب الاسلامیه، الطبعة الثانية، ۱۳۹۴. ۱۱. رجال النجاشی، الشيخ الجليل ابو العباس احمد بن علی بن احمد بن العباس، التحقيق: السيد موسى الشبیری الزنجانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الأولى، ۱۴۰۷. ۱۲. هداية المحدثين الى طريقة المحمدين، محمد امين بن محمد علی الكاظمی، تحقیق: السيد محمد الرجایی، منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفی، قم، ۱۴۰۵. ۱۳. رجال الطوسی، شیخ الطائفة ابی جعفر محمد بن حسن الطوسی، حقه و علق عليه و قدم له العلامة الكبير السيد محمد صادق آل بحر العلوم، المطبعة و المكتبة الحيدرية، نجف، ۱۳۸۱ هـ. ق. (-: تحقیق: جواد القيومی، مؤسسه النشر الإسلامی، قم، ۱۴۱۵. ۱۴. منتهی المقال فی احوال الرجال، الرجالی الخبير أبی علی الحائری، الشيخ محمد بن اسماعيل المازندرانی، تحقیق: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم، ۱۴۱۶. ۱۵. الفهرست، شیخ الطائفة الإمامیه، أبی جعفر محمد بن الحسن بن علی الطوسی، به کوشش محمود رامیار، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مشهد، ۱۳۵۱. (-: صححه و علق عليه، العلامة السيد محمد صادق پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۸۷ آل بحر العلوم، المكتبة الرضوية، نجف، بی‌تا. ۱۶. صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی قدس سره، چاپ دوم، سازمان اسناد و مدارک انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۰. ۱۷. العین، لأبی عبد الرحمن الخليل بن احمد الفراهیدی، تحقیق: الدكتور مهدی المنزومی، الدكتور ابراهيم السامرائی، قم، منشورات دارالهجرى، ۱۴۰۵. ۱۸. الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية، اسماعيل بن حماد جوهري، تحقیق: احمد عبد الغفور، عطار،

قاهره، ۱۳۷۶، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷. ۱۹. لسان العرب، الإمام العلامة ابن منظور، نسقه و علق علیه: علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، الطبعة الأولى، ۱۴۰۸. ۲۰. المعجم الوسیط، ابراهیم انیس، محمد خلف الی احمد و ... (افست) دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، الطبعة الرابعة، ۱۴۱۲. ۲۱. البرهان فی علوم القرآن، للإمام بدرالدین محمد بن عبد الله الزرکشی، تحقیق: الدكتور یوسف عبد الرحمن المرعشلی و ... بیروت دارالمعرفة، الطبعة الأولى، ۱۴۱۰. ۲۲. المصاحف، ابوبکر عبد الله بن ابی داود السجستانی، بیروت، دارالکتب العلمیة. ۲۳. الطبقات الکبری، لابن سعد، بیروت، دارصادر، بی تا. ۲۴. تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، للحافظ المتقن جمال الدین أبی الحجاج یوسف المزی، حققه و ضبط نصه و علق علیه، الدكتور بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسة الرسالة، الطبعة الثانية، ۱۴۰۵. ۲۵. تقييد العلم، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت الخطيب البغدادي، صدره و حققه و علق علیه: یوسف العث، نشرته دار احیاء السنة النبویة، الطبعة الثانية، ۱۹۴۷. ۲۶. مصادر الشعر الجاهلی و قيمتها التاريخیة، ناصرالدین الأسد، بیروت، دارالجليل، الطبعة السابعة، ۱۹۸۸ م. پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۸۸. ۲۷. الصراع بين الوثنية و الإسلام، عبد الله بن علی القصیمی، الطبعة الثانية، دارالکتب، ۱۴۲۷ بی جا. ۲۸. الحيوان، أبی عثمان عمر و بن بحر الجاحظ، تحقیق و شرح: عبدالسلام هارون، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا. ۲۹. دلائل الإمامة، للمحدث الشيخ ابی جعفر محمد بن جریر بن رستم الطبری الصغير من اعلام القرن الخامس الهجری، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامیة، مؤسسة البعثة، قم، ۱۴۱۳. ۳۰. الرجال، لابن الغضائری، احمد بن الحسين بن عبيد الله بن ابراهيم ابی الحسين الواسطی البغدادي، تحقیق: السيد محمدرضا الحسينی الجلالی، قم، دارالحديث، ۱۳۸۰. ۳۱. معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، للإمام الأكبر زعيم الحوزات العلمیة، السيد ابوالقاسم الموسوی الخوئی، طهران، الطبعة الخامسة، ۱۴۱۳. ۳۲. فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى، الحاج الشيخ احمد الرحمانی الهمدانی، طهران، نشر المرضیة، الطبعة الثانية، ۱۳۷۲. ۳۳. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار أئمة الأطهار، العلم العلامة الشيخ محمد باقر المجلسی، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳. ۳۴. كتاب الوافي، للمحدث الفاضل و الحكيم العارف الكامل محمد محسن المشتهر بالفيض الكاشاني التحقيق و التصحيح: ضياء الدين الحسينی العلامة، مكتبة الإمام أمير المؤمنين علی علیه السلام العامة، اصفهانى. ۳۵. مصابيح الأنوار لحلّ مشكلات، لعبدالله شير، تحقیق: السيد علی نجل السيد محمد، قم، مكتبة بصيرتى، بی تا. ۳۶. علل الشرايع، الشيخ الصدوق، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الأولى. ۳۷. تفسير الثقلين، للعلامة الشيخ عبد علی بن جمعة العروسی الحویزی، تحقیق: السيد علی عاشور، بیروت، مؤسسة التاريخ العربی، پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۸۹. الطبعة الأولى، ۱۴۲۲. ۳۸. مستدرک سفینه البحار، الشيخ علی النمازی الشاهرودی، طهران، مؤسسة البعثة، الطبعة الأولى، ۱۴۱۰. ۳۹. تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العتره الطاهرة، السيد شرف الدين علی الحسينی، الإسترآبادی النجفی، تحقیق: مدرسه الإمام المهدي عليه السلام، قم، الطبعة الأولى، ۱۴۰۷. ۴۰. نقد الرجال، الرجال المحقق، السيد مصطفى بن الحسين الحسينی التفرشى، تحقیق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم، الطبعة الأولى، ۱۴۱۸. ۴۱. قاموس الرجال، العلامة المحقق آيت الله العظمى الشيخ محمد تقى التستري، تحقیق و نشر، مؤسسة النشر الإسلامی، قم، الطبعة الأولى، ۱۴۱۰. ۴۲. أصول مذهب الشيعة الإمامية الإثني عشرية، ناصر بن عبد الله بن علی الغفارى، الطبعة الثانية، ۱۴۱۵. ۴۳. سلامة القرآن من التحريف و تفنيد الاقتراءات، علی الشيعة الإمامية، الدكتور فتح الله المحمدي، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۲. ۴۴. الإمام الصادق، حياته و عصره، آراؤه الفقهيّة، الإمام محمّد ابوزهره، القاهرة، دار الفكر العربی، ۱۴۲۵. ۴۵. الإمام زيد، حياته و عصره، آرائه الفقهيّة، الإمام محمّد ابوزهره، القاهرة، دارالفكر العربی، ۱۴۲۵. ۴۶. رسالة الإسلام، مجلّة اسلامية، عالمیة، تصدر عن دار التقريب بين المذاهب الإسلامیة، القاهرة، السنة الثانية. ۴۷. مع ابی زهره فی كتاب الإمام الصادق، عبدالحی السبیتی، بی تا، بی جا. ۴۸. دفاع عن الكافي، ثامر هاشم حبيب العمیدی، مركز الغدير الدراسات الإسلامیة، قم، ۱۴۱۶. ۴۹. دراسات فی الحديث و المحدثين، هاشم معروف الحسنى، بیروت، پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۹۰. دارالتعارف للمطبوعات، الطبعة الثانية، ۱۳۹۸. ۵۰. تدوين السنة الشريفة، بدايته المبكر فی عهد الرسول و مصيرته فی عهد

الخلفاء الى نهاية القرن الأول، السيد محمدرضا الحسيني الجلالی، قم، مكتب الاعلام الإسلامی، ۱۴۱۳. ۵۱. الزهراء القدوة، آية الله العظمی السيد محمد حسين فضل الله، اعداد و تنسيق، حسين أحمد الخشن، دار الملاک، ۱۴۲۱. ۵۲. فاطمة الزهراء من المهد الى اللحد، السيد محمد كاظم القزوينی، قم، ۱۴۱۴. ۵۳. حقيقة مصحف فاطمة عند الشيعة، اكرم بركات العاملی، بيروت، دارالصفوة، ۱۴۱۸، الطبعة الأولى. ۵۴. حقيقة الجفر عند الشيعة الإمامية عند الشيعة، اكرم بركات العاملی، بيروت، دارالصفوة، الطبعة الأولى، ۱۴۱۶. ۵۵. روضة الواعظین، محمد بن القتال النيسابوری، به تصحيح: حسين الأعلمی، مؤسسة الأعلمی، بيروت، بی تا. ۵۶. مناقب آل أبي طالب، أبي جعفر محمد بن علي بن شهر آشوب السروي المازندرانی، بيروت، دار الأضواء، الطبعة الثانية، ۱۴۱۲. ۵۷. الغدير في الكتاب والسنة والأدب، العلامة الشيخ عبد الحسين أحمد الأميني النجفی، تحقيق: مركز الغديرالدراسات الإسلامیة، قم، الطبعة الثانية، ۱۴۱۴. ۵۸. مقاتل الطالبین، لأبي الفرج الإصفهانی، شرح و تحقيق: السيد احمد صقر، قم، منشورات الرضى (افست)، ۱۴۱۴. ۵۹. الإقبال بالأعمال الحسنية فيما يعمل مرة في السنة، رضى الدين علي بن موسى بن جعفر بن طاووس، تحقيق: جواد القيومي الإصفهانی، قم، المكتب الإعلامی الإسلامی، الطبعة الثانية، ۱۴۱۸. ۶۰. أنساب الأشراف، النسابة والمؤرخ الشهير احمد بن يحيى بن جابر البلاذري، حقه و علق عليه، الشيخ محمد باقر المحمودی، مجمع احياء الثقافة الإسلامیة، قم، الطبعة الثانية، ۱۴۱۹. پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۹۱ ۶۱. موسوعة الإمام الصادق، باقر شريف القرشي، بيروت، دار الأضواء، الطبعة الأولى، ۱۴۱۳. ۶۲. الإمامة والتبصرة، الإمام أبي الحسن علي بن الحسين بن موسى ابن بابويه القمي، حقه و قدّم له، السيد محمدرضا الحسينی، بيروت، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، لإحياء التراث، ۱۴۰۷. ۶۳. قيام های شيعة در عصر عباسی، محمد كاظمی پوران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰. ۶۴. سيرة رسول الله واهل بيته، لجنة التأليف، مؤسسة البلاغ، المعاونة الثقافية للمجمع العالمي، لأهل البيت عليهم السلام، الطبعة الأولى، طهران، ۱۴۱۴. ۶۵. تهذيب الأحكام، لشيخ الطائفة، أبي جعفر محمد بن الحسن بن علي الطوسي، صححه و علق عليه، علي اكبر الغفاري، تهران، مكتبة الصدوق، ۱۴۱۷. ۶۶. دعائم الإسلام، ابي حنيفة النعمان بن محمد التميمي، تحقيق: آصف بن علي اصغر فيضي، مصر، دارالمعارف، الطبعة الثانية، بی تا. ۶۷. معاني الأخبار، ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي، تصحيح: علي اكبر الغفاري، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۳۶۱. ۶۸. الأمالي، ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي، تحقيق: قسم الدراسات الإسلامیة، مؤسسة البعثة، قم. ۶۹. تاريخ الطبري (تاريخ الأمم والملوك) لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، الطبعة الثانية، بيروت، دار احياء التراث العربي، بی تا. ۷۰. صحيح البخاري، ابي عبد الله محمد بن اسماعيل البخاري الجعفي، تحقيق: مصطفى ديب البغا، دمشق، دار ابن كثير، الطبعة الرابعة، ۱۴۱۰. ۷۱. صحيح مسلم، ابي الحسين مسلم بن الحجاج القشيري النيشابوري، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت، دارالفكر، الطبعة الثانية، پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص: ۹۲ ۱۳۹۸. ۷۲. ترتيب الأمالي، (ترتيب موضوعي لأمالي المشايخ الثلاثة: الصدوق و المفيد و الطوسي)، تأليف: محمد جواد المحمودی، مؤسسة المعارف الإسلامیة، قم، الطبعة الأولى، ۱۴۲۰. ۷۳. الذرية الطاهرة النبوية، أبو بشر محمد بن احمد بن حماد الدولابي، تحقيق: سعد المبارك الحسن، الكويت: الدار السلفية، الطبعة الأولى، ۱۴۰۷. ۷۴. فاطمه، فاطمه است، دكتور علي شريعتي، رسالت قلم، تهران، بی تا. ۷۵. الخصال، ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق، تحقيق: علي اكبر الغفاري، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۳. ۷۶. اثبات الهداء، محمد بن الحسن الحرّ العاملی، قم، المطبعة العلمية، بی تا. ۷۷. الذريعة الى تصانيف الشيعة، العلامة الشيخ آقا بزرك الطهراني، مؤسسه مطبوعاتي اسماعيليان، قم، بی تا. ۷۸. مدخل إلى القرآن الكريم، محمد عابد الجابري، مركز دراسات الوحدة العربية، بيروت، الطبعة الأولى، ۲۰۰۶. ۷۹. الإمام جعفر الصادق، عبدالحليم الجندي، تحقيق: احمد جاسم المالكي، المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامیة، الطبعة الأولى، ۱۴۲۴. ۸۰. الاختصاص (المنسوب الى الشيخ المفيد) محمد بن محمد بن النعمان العكبري البغدادي، صححه و علق عليه علي اكبر الغفاري، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، بی تا. ۸۱. الأمالي، ابي جعفر محمد بن الحسن الطوسي، تحقيق:

قسم الدراسات الإسلاميه، مؤسسهُ البعثهُ، قم، دار الثقافهُ، ١٤١٤ . ٨٢. اختيار معرفهُ الرجال المعروف برجال الكشَى، لشيخ الطائفهُ الإماميهُ، أبي جعفر محمد بن الحسن بن علي الطوسي، صحّحه وعلق پژوهشگونه‌ای درباره مصحف فاطمه عليها السلام، ص: ٩٣ عليه، حسن المصطفوي، مشهد، دانشكده الهيات و معارف اسلامي، ١٣٤٨ . ٨٣. الخرائج والجرائح، للفقيه المحدث و المفسّر الكبير، قطب الدين الراوندي، في اعلام النبي والأئمه عليهم السلام، تحقيق و نشر، مؤسسهُ الإمام المهدي، قم، ١٤٠٩ . ٨٤. الغيب، الشيخ الأجل ابى زينب محمد بن ابراهيم النعماني، تحقيق: على اكبر الغفاري، مكتبة الصدوق، طهران، بي تا. ٨٥. الأربعين، محمد باقر المجلسي، تصحيح: محمد حسن التفرشي، دارالكتب العلميه و اسماعيليان، قم. ٨٦. صفوة الصفوة، لأبي الفرج جمال الدين، عبد الرحمن بن علي بن محمد المعروف بابن الجوزي، تحقيق: محمد هارون، دارالفكر، بيروت، الطبعة الأولى، ١٤١٣ . ٨٧. مشكل الآثار، لأبي جعفر أحمد بن محمد الأزدي الحجري الطحاوي، دارصادر، بيروت، بي تا. ٨٨. الجامع لأحكام القرآن، محمد بن احمد قرطبي، تحقيق: هشام سمير البخاري، بيروت، داراحياء التراث العربي، ١٤١٦ . ٨٩. المنتظم في تاريخ الأمم والملوك، لأبي الفرج عبدالرحمن بن علي بن محمد ابن الجوزي، دراسة و تحقيق: محمد عبدالقادر عطا، مصطفى عبد القادر عطا، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٢ . ٩٠. فاطمه زهراء، علامه اميني، مقدّمه و پاورقى و تعليقات از: محمد اميني نجفى، انتشارات استقلال، تهران، ناصر خسرو، ١٣٧٦ .